



دوفصلنامه تخصصی فقه و اصول
سال سوم / شماره دوم / بهار و تابستان ۱۳۹۵
صاحب امتیاز: جامعة المصطفی العالمیه
محل انتشار: مؤسسه آموزش عالی بنت الهدی / انجمن علمی - پژوهشی
مدیر مسئول: محمدمهدی صفورایی پاریزی
سر دبیر: فاطمه سیفی کناری
کارشناس اجرایی: ساجده زرگوش عبدالخانی
اعضای هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا): زهرا رضوی، صدیقه رضوی، ماجده زرگوش
ساجده زرگوش، منیره کبیر، معصومه نژاد موسوی.
صفحه بندی: خانه چاپ و گرافیک سحر

نشانی مجله: خیابان انقلاب، بعد از گلزار شهداء، مؤسسه آموزش عالی بنت الهدی.
امور تحریریه: ۳۷۱۸۳۲۸۷-۰۲۵ دورنگاز: ۰۲۵-۳۷۲۰۸۹۱۸-۰۲۵ کد پستی: ۳۷۱۵۸-۹۴۵۶۳۶

شیوه‌نامه

نویسندگان ارجمند جهت ارسال مقاله به موارد ذیل توجه فرمایید:

۱. مقاله دست‌آورد پژوهش علمی نگارنده بوده و مختصات روش شناختی و سامان یافته در ارائه موضوع مورد تحقیق رعایت شده و برای چاپ در نشریات دیگر ارسال نشده باشد.
۲. پذیرش مقاله برای چاپ به عهده هیأت تحریریه فصلنامه است که بعد از داوری و تأیید همکاران علمی نشریه، صلاحیت چاپ آن اعلام خواهد شد. بدیهی است که فصلنامه هیچ‌گونه تعهدی در قبال پذیرش و یا رد مقاله بر عهده نخواهد داشت.
۳. کلیه مسئولیت‌های ناشی از صحت علمی و یا دیدگاه‌های نظری و ارجاعات مندرج در مقاله بر عهده نویسنده و یا نویسندگان آن خواهد بود.
۴. مقاله ارسالی باید ساختار مقالات علمی داشته باشد. در بخش راهنمای تدوین مقاله، توضیحات مکفی در این مورد داده شده است.
۵. دفتر نشریه در تلخیص و ویرایش مقالات آزاد است.
۶. نقل مطالب نشریه با ذکر مأخذ بلامانع است.
۷. مقالات ارسالی حداقل در ۱۵ صفحه و حداکثر ۲۵ صفحه (۳۰۰ کلمه‌ای) و با قلم لوتوس شماره ۱۲ در محیط WORD حروف چینی شده باشد.
۸. استناددهی درون‌متنی و تنظیم فهرست منابع به شیوه APA باشد.

شیوه APA

استناد دهی درون متن

الف) ارجاع به متون در داخل متن با یک نویسنده و یک کتاب.

۱. اگر نام نویسنده داخل متن ذکر شود: فقط (سال انتشار) در انتهای متن بیان می‌شود؛
 ۲. اگر نام نویسنده و سال انتشار داخل متن ذکر شود در انتهای متن (پاراگراف یا خط) ارجاع آورده نمی‌شود.
 ۳. اگر نام نویسنده و سال انتشار در متن ذکر نشود، ارجاع، داخل پرانتز انتهای متن (انتهای پاراگراف یا خط) بیان می‌شود: (نام خانوادگی نویسنده، سال انتشار، شماره صفحه)
- تبصره:** اگر کتاب دارای چند جلد باشد: (نام خانوادگی نویسنده، سال انتشار، شماره جلد / شماره صفحه)

تبصره: اگر ذکر شماره صفحه ضروری باشد شماره صفحه بعد از سال انتشار بیان می شود:
(نام خانوادگی نویسنده، سال انتشار، شماره صفحه)

تبصره: اگر کتاب دارای چند نویسنده باشد:

(نام خانوادگی نویسنده اول، نام خانوادگی نویسنده دوم، نام خانوادگی نویسنده سوم، سال انتشار).

تبصره: اگر کتاب بیش از سه نویسنده دارد: (نام خانوادگی نویسنده اول، و دیگران، سال انتشار)

ب) ارجاع به متون با نویسنده نامشخص

۱. چند کلمه از عنوان کتاب یا مقاله یا... داخل پرانتز همراه با سال انتشار نوشته می شود: («چند کلمه از عنوان کتاب یا مقاله یا...»، سال انتشار).

تبصره: اگر کتاب دارای چند جلد باشد: («چند کلمه از عنوان کتاب یا مقاله یا...»، سال انتشار، شماره جلد / شماره صفحه)

تبصره: اگر ذکر شماره صفحه ضروری باشد شماره صفحه بعد از سال انتشار بیان می شود:

(«چند کلمه از عنوان کتاب یا مقاله یا...»، سال انتشار، شماره صفحه)

ج) ارجاع به منابع اینترنتی:

(نام خانوادگی نویسنده، سال درج متن در سایت یا تاریخ مشاهده متن از سایت، آدرس سایت)

د) ارجاع به پایان نامه و رساله:

(نام خانوادگی نویسنده، سال نگارش یا انتشار)

تنظیم فهرست منابع به شیوه APA

الف) کتاب: عنوان کتاب باید ایتالیک باشد:

نام خانوادگی، نام نویسنده. (سال انتشار). نام کتاب. نام مصحح یا مترجم، محل انتشار: انتشاراتی.

اگر نویسنده کتاب شرکتی باشد نوبت چاپ بعد از عنوان کتاب در پرانتز ذکر می شود:

نام نویسنده (شرکتی). (سال انتشار). نام کتاب (نوبت چاپ). نام مصحح یا مترجم، محل

انتشار: انتشاراتی.

ب) مقاله: عنوان نشریه باید ایتالیک باشد:

نام خانودگی، نام نویسنده. (سال انتشار). عنوان مقاله. عنوان مجله، شماره نشریه (دوره انتشار)، شماره ابتدای مقاله - شماره انتهای مقاله.

مقاله درج شده در مجموعه مقالات:

نام خانودگی، نام نویسنده. (سال انتشار). عنوان مقاله. عنوان مجموعه مقالات، شماره ابتدای مقاله - شماره انتهای مقاله.

ج) پایان نامه یا رساله:

نام خانودگی، نام نویسنده. (سال انتشار). عنوان رساله. رشته و رتبه. دانشگاه.

د) کتبی که نویسنده مشخص ندارد مثل فرهنگ لغت:

عنوان کتاب (نوبت چاپ). (سال انتشار). محل انتشار: انتشاراتی.

و) منابع اینترنتی:

نام خانوادگی نویسنده متن. سال درج متن در سایت. عنوان متن. نام سایت یا صفحه اینترنتی، تاریخ مشاهده متن در سایت.

و آیات قرآن با ذکر نام سوره و شماره آیه به عنوان مثال (یونس: ۳۰)

سخن سردبیر

سلام و درود بی پایان الهی برگنجینه‌های علوم و اسرار الهی، پیامبر عظیم الشان اسلام و خاندان پاک او. مجله علمی - تخصصی «فقه الهدی»، گامی است کوچک در راستای نشر فقه غنی و ناب اهل بیت عصمت علیهم‌السلام. فقه اهل بیت علیهم‌السلام، میراثی ژرف، پرمایه، عظیم و انسان ساز است. شب پرستان، طلوع آن را ناخوش داشتند و با همه توان در انزوایش کوشیدند و حکومت و حاکمیتش را غصب کردند. اگر پیام غدیر پای می‌گرفت و امت پس از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، به ارتجاع مبتلا نمی‌شد و فقه پرمایه و ناب اهل بیت علیهم‌السلام، روابط اجتماعی و رفتار فردی مسلمانان را سامان می‌داد، تاریخ به‌گونه‌ای دیگر شکل می‌گرفت و رقم می‌خورد و این همه سیه‌روزی به بشر نمی‌رفت.

در مکتب شیعه، وحی الهی نزدیک به دو قرن توسط خاندان نبوت تفسیر علمی و عملی شد. آن‌گاه که خلافت جمع و نقل احادیث نبوی را منع می‌کرد، مولای متقیان امام علی علیه‌السلام به جمع احادیث پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پرداخت و کتاب *پرحجم‌الجماعه* را نوشت و اصحاب و یارانش را نیز بر این مهم وادار می‌کرد. ابورافع، ملازم آن حضرت، کتاب *السنن والاحکام والقضاء* و علی بن رافع، کتابی در مسائل مختلف فقه، (مثل وضو، نماز و سایر ابواب) تألیف کرد. هنگامی که خلفا برای ساماندهی جامعه و تنظیم قوانین و مقررات، به قیاس و استحسان روی آوردند، دانشگاه صادقین علیهم‌السلام ده‌ها عالم فقیه، متکلم و متخصص در علوم آن روز تحویل جامعه داد.

این حرکت، پس از غیبت آخرین معصوم، با دست مایه‌ای عظیم، توسط شاگردان عسکریین علیهم‌السلام پی گرفته شد و با بهره‌وری از اصول اربعمئه و دیگر آموزه‌های اهل بیت علیهم‌السلام، کتاب‌ها تألیف شد و عالمانی پرورش یافتند. باز بودن باب اجتهاد در شیعه، بستری برای حضور مکتب در همه ادوار بود. از برکت گشودن باب اجتهاد، صدها فقیه و عالم گران قدر سر برآورد که برخی از آنان مایه مباهات مسلمانان و افتخار تاریخ بشرند.

بدین سان، اجتهاد در هر دوره، تعرضی علیه قوانین جور و ظالمان تاریخ بود. چه بسیار فتوادارانی به پاس فتوای خویش به مسلخ رفتند و با خون خویش پرچم حقانیت فقه سرخ فام اهل بیت علیهم‌السلام را فریاد کردند. پافشاری فقیهان بر این مهم، کاروانی از شهیدان فضیلت به راه انداخت و پرچم خونین فقاقت را بر گنبد زرین و بام بلند حوزه‌های علوم دینی برافراشت. آتش جسد پاک شهید اول از قرن‌ها پیش گرمابخش محفل حوزویان در درازای تاریخ شد. طلبه‌ای که اولین درس فقاقت را با نام و یاد شهید اول آغاز می‌کند، از همان آغاز، حقانیت فقه شیعه را با جوهر خون این شهید پاک، امضا می‌کند و لمعات خون سرخ و شهادت مظلومانه شهید را در

سطر سطر لمعه، چراغ راه خویش می‌گیرد.

در قرن اخیر، تلاش‌های زیادی برای جدایی دین از سیاست انجام گرفت، اما حرکت شکوه‌مندانه شاگرد مکتب فقهی سامرا، شهید مدرس، و پافشاری وی بر شعار جداناپذیری دین از سیاست و از همه مهم‌تر فریاد بلند امام خمینی علیه السلام و انقلاب سترگ وی، و شهادت مظلومانه فقیه نواندیش و فیلسوف بزرگ معاصر، آیت‌الله محمدباقر صدر، رسوایشان ساخت و جامعیت و جامعه‌گرایی دین را فریاد کرد. در این عصری که بار امانت الهی «ولایت» بردوش حوزه‌ها نهاده شد و بانگ مستضعفان پاک فطرت جهان، با ندای «رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا» (نساء: ۷۵)، بلند است و از حکومت کریمه اسلامی یاری می‌جویند، شایسته است حوزه با تبیین درست و متقن معارف کوثر اهل بیت علیهم السلام، لشکر اسلام ناب محمدی را جلو دار شده و دروازه فکر و دل ملت‌ها را فتح کنند. امروز ملتی پیروز و سرفراز است که فرهنگ خویش را غالب کند. دین، عرصه پیکار فرهنگ‌ها است، جنگ مرئی به مبارزه فرهنگی تبدیل شده است و شیطان‌ها با لباس فرهنگ به سراغ ملت‌ها آمده‌اند.

اگر معارف پاک و زلال اهل بیت علیهم السلام و جمال دلربای فرهنگ و فقه شیعه، بدون پیرایه به ارواح، قلوب و فطرت مردم دنیا برسد، مردم دنیا فوج فوج به مکتب اهل بیت علیهم السلام روی کرده و نقشه‌های شیاطین را بر آب خواهند کرد که: «إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا» (نساء: ۷۶).

در این راستا و انجام این مهم، بزرگان با تأسیس مراکز پژوهش‌های فقهی و نشر مجلات گوناگون تخصصی، حرکتی نو در حوزه فقاهت پدید آوردند. از این رو، نشریه فقه الهدی نیز به لطف حق، در سال ۱۳۹۳ در مؤسسه آموزش عالی بنت‌الهدی منتشر شد.

این نشریه، بر آن است که با عنایت اهل بیت علیهم السلام، در شماره دوم نیز، صفحات خود را به قطره‌ای از اقیانوس علوم آنان طراوت بخشیده و در حد توان با یاری اساتید بزرگوار گروه علمی - تربیتی فقه و اصول و طلاب ارجمند این رشته، به تبیین مسائل فقهی خانوادگی و موضوعات بایسته درون و برون فقهی، پرداخته به معرفی شخصیت‌ها و کتاب‌های فقهی و همچنین مراکز و سایت‌های فقهی معتبر و ذکر مقالات و خلاصه و چکیده، پایان‌نامه‌های دانش پژوهان مقطع ارشد فقه خانواده در مسائل فقهی و به بیان نظر مراجع عظام در مسائل مستحدثه و نوظهور بپردازد.

این مجله، با دربرگیری محورهای تازه، گام دیگری را در راستای پاسخ به پرسش‌های دینی برمی‌دارد و امید دارد با توجه و استقبال خوانندگان عزیز، روزبه‌روز بر غنای خویش بیفزاید.



فهرست

نگاهی به حکم اظهار زینت زن از منظر آیه حجاب (آیه ۳۰ سوره نور)	۱۱
آرایش و زینت زن از نظر قرآن و سنت	۲۳
حجاب و برخی شبهات پیرامون آن	۳۵
احکام ثانویه آرایش و زینت در فقه امامیه	۴۵
آشنایی با کتابخانه اندرویدی مکتبه الشیعه	۶۱
آشنایی با مرکز فقهی ائمه اطهار <small>علیهم السلام</small>	۶۳



نگاهی به حکم اظهار زینت زن از منظر آیه حجاب (آیه ۳۰ سوره نور)

ساجده العبدالغانی^۱

چکیده

تمایل انسان به زینت کردن و آشکار کردن آن امری است فطری و در فرهنگ اسلامی نیز بر آن سفارش شده است، اما از آن جا که این امر در شمار افعال مکلفان قرار دارد در مورد هر یک از زن و مرد حکم آن متفاوت است، آنچه در این تحقیق مورد کنکاش قرار گرفته است اظهار زینت زن و محدوده آن با توجه به آیه ۳۰ سوره نور است. بنابراین، این سؤال که دیدگاه آیه ۳۰ از سوره نور در مورد اظهار زینت زن چیست، مورد بررسی قرار گرفته است. روش تحقیق در این مقاله توصیفی-تحلیلی است که با بررسی های به عمل آمده این نتیجه حاصل شد که ممنوعیت اظهار زینت برای زنان (در مقابل نامحرمان) در تعاملات اجتماعی موجب امنیت روانی خانواده و اجتماع و همچنین مصونیت زن از آزار و اذیت بیمار دلان می شود.

واژگان کلیدی: اظهار، زینت، آرایش، ابداء.

۱. مقدمه

سرشت انسان زیبایی چهره و آرایش و پوشش نیکور دوست دارد. پوشش و آرایشی که موجب زینت و زیبایی انسان است مورد تأکید و تأیید شریعت نیز می باشد و تعدد آیات و روایات مربوط به زینت نشان دهنده اهتمام شارع به مقوله زینت است. زینت به طور کلی یا مربوط به زینت اماکن است یا زینت اشخاص که شامل زینت مردان و زنان است. در مورد اصل زینت و آرایش تفاوتی نیست در اینکه از انواع وسایلی باشد که بتوان آنها را از بدن جدا کرد مانند: انگشتر و النگو و یا زینتی باشد که روی اعضای بدن صورت می گیرد و از بدن جدا ناشدنی هستند مانند: اصلاح یا تاتو ابرو. آشکار کردن زینت برای زنان در مقابل محارم و غیرمحارم احکام تکلیفی مختلفی را به دنبال دارد که فقیهان و مفسران از دیرباز پیرامون آنها بحث های مبسوطی داشته اند. در نوشتار حاضر، مسأله زینت فقط از دیدگاه آیه ۳۰ سوره نور بررسی شده است.

۲. حکم اظهار زینت برای زن و ملاک آن

آرایش و زینت به خودی خود برای زن امری مباح، مطلوب و از ضروریات زندگی زناشویی است؛ هر چند اظهار و آشکار کردن آن در مقابل مردان، بر حسب طبیعت رابطه میان ناظر و منظور و حالات

۱. کارشناسی ارشد فقه خانواده، مؤسسه آموزش عالی بنت الهدی، از کشور عراق.

آنها، احکام مختلفی در شرع دارد که گاه جایز است و گاه ممنوع. اگر بیننده، مردی نامحرم باشد، حکم کلی قرآن در این فرض حرمت آشکار کردن زینت برزن است، اما اگر از محارم باشد، آشکار ساختن زینت برزن جایز است (ر.ک: نور: ۳۰). ملاک این دیدگاه قرآن به دو امر برمی‌گردد: نخست نیازهای اجتماعی زن به گونه‌ای است که در برخی موارد اختلاط با مردان را در صحنه زندگی اجتماعی می‌طلبد. در این موارد پنهان کردن زینت برای زن بسیار دشوار خواهد بود؛ چنانکه گاهی آشکار کردن قسمتی از اعضای بدن مانند صورت و دست‌ها تا می‌چ برای رفع نیازها و انجام وظایف فردی و اجتماعی برای وی ضروری است.

دوم، برانگیخته نشدن شهوت جنسی؛ چنانکه ملاک حکم در اظهار زینت زن در مقابل محارم (به جز شوهر) بر این اساس است. از این دو مطلب روشن می‌شود که ملاک، تعبد محض نیست بلکه نکته‌ای قابل فهم برای عرف است.

۳. استدلال به آیه ۳۰ از سوره نور

مهم‌ترین نص قرآنی که به تشریح حکم این موضوع پرداخته، سوره نور است:

وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا يَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرَ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ. (نور: ۳۱)

و به زنان با ایمان بگو چشم‌های خود را (از نگاه هوس‌آلود) فرو گیرند و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را - جز آن مقدار که نمایان است - آشکار نسازند و (اطراف) روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود) و زینت خود را آشکار نسازند، مگر برای شوهرانشان، یا پدرانشان، یا پدرانانشان، یا پسرانشان، یا پسران شوهرانشان، یا برادرانشان، یا پسران برادرانشان، یا پسران خواهرانشان، یا زنان هم‌کیششان، یا کنیزانشان یا مردان سفیه که تمایلی به زن ندارند، یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند، و هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانی‌شان معلوم شود (و صدای خلخال که بر پای دارند، به گوش رسد) و ای مؤمنان، همگی به سوی خدا بازگردید تا رستگار شوید.

در این آیه شریفه خداوند به زنان مؤمن فرمان داده که چشم از نامحرم فروبندند و دامان خود را پاک نگه دارند، زینت خود را آشکار نکنند، مقنعه و روسری را روی گردن و سینه خود بیندازند، پای بر زمین نکوبند و جلب توجه نکنند. سپس تمام مؤمنان را به توبه و بازگشت به سوی خدا دستور می‌دهد. در این آیه، دوبار آشکار کردن زینت نهی شده است و در هر بار، مواردی از حکم نهی، استثنا شده است. (جمعی از نویسندگان، بی‌تا، ص ۱۴۶)

۳-۱. برخی از مفردات و ترکیبات آیه شریفه

۱-۱-۳. مفاهیم

الف) وَلَا يُبْدِينَ

بدا به معنای ظهور و آشکار شدن است، چنانکه در آیه شریفه آمده: «فَبَدَتْ لَهُمَا سَوَاتِمَهُمَا؛ وقتی از آن درخت خوردند، بدی هایشان (عورتشان) برای آنها آشکار گشت». (طه: ۱۲)

ابداء از باب افعال به معنای آشکار کردن است. «أبدی الأمر» یعنی آن چیز را آشکار کرد. (طریحی نجفی، ۱۴۱۶ هـ ق، ۱/۱۶۷) بداء به معنای «رها کردن» نیز استعمال شده است.

ب) زینتھن

زینت، اسم است از ریشه «زان الشیء صاحبه زیناً» و به معنای چیزی است که انسان خود را با آن می‌آراید. (طریحی نجفی، ۱۴۱۶ هـ ق، ۲/۳۱۲).

از ظاهر معنای زینت بر می‌آید که این کلمه معنای ایجابی دارد نه سلبی؛ یعنی آنچه به چیزی نکویی و زیبایی می‌بخشد یا چیزی را نیکو و زیباتر جلوه می‌دهد. کلمه «زینت» در قرآن در موارد متعددی به کار رفته است:

- به معنای زینت مادی: «حَتَّىٰ إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّيَّنَتْ؛ تا زمانی که زمین زیبایی خود را بیابد و آراسته گردد» (یونس: ۲۴).

- به معنای زینت معنوی: «وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ؛ خداوند ایمان را محبوب دل شما قرار داد و آن را در دل هایتان زینت بخشید» (حجرات: ۷).

- به معنای زینت تکوینی: «إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ؛ همانا آسمان دنیا را به زیور ستارگان آراستیم» (صافات: ۶).

- در معنای زینت اکتسابی: «خُدُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ؛ زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد، با خود بردارید» (اعراف: ۳۱).

- به معنای زینت حقیقی: «وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَزَيَّنَّاهَا لِلنَّاظِرِينَ؛ ما در آسمان برج‌هایی قرار

دادیم، و آن را برای بینندگان آراستیم» (حجر: ۱۶).

- گاه در معنی زینت وهمی: «رُئِيَ لِلذَّيْنِ كَفْرُوا الْحَيَاةِ الدُّنْيَا؛ زندگی دنیا برای کافران زینت داده شده است» (بقره: ۲۱۲).

- گاهی «زینت» بر اسم ذات اطلاق شده است: «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا؛ مال و فرزندان، زینت زندگی دنیاست» (کهف: ۴۶).

- گاهی بر افعال اطلاق شده است: «وَكَذَلِكَ زَيْنٌ لِكَثِيرٍ مِنَ الْمُشْرِكِينَ قَتَلَ أَوْلَادِهِمْ شُرَكَاءُهُمْ؛ اینگونه شرکای آنها قتل فرزندانشان را در نظرشان نیکو جلوه دادند» (انعام: ۱۳۷).

در این شریفه مورد بحث، کلمه «زینت» به ضمیر «هنّ» اضافه شده و اضافه هم به معنای اختصاص است. بنابراین، معنای «وَلَا يُبَدِّينَ زِينَتَهُنَّ» چنین می شود: زینتی را که مخصوص زن است - همانند زیورآلات، مالیدن روغن و کرم و لوازم آرایشی و امثال آن - آشکار نکنند. ممکن است مراد از زینت در آیه، زینت تکوینی باشد؛ یعنی زیبایی و جمالی که در خلقت و طبیعت زن وجود دارد. گاهی زینت زن آشکار است؛ مانند لباس های مزین و زیبا، و گاهی پوشیده و پنهان است؛ مانند برخی از قسمت های بدن او.

ج) بعولتهن

«بعولة» جمع «بعل» به ترتیب بر وزن فحوله و فحل، به معنای زوج و شوهر است. (راغب، ۱۴۲۶ ه. ق، ص ۱۳۵) برخی گفته اند که «بعل» بر سرور (قرطبی، ۱۴۰۵ ه. ق، ۲۳۱/۱۲)، بلکه بر هرکسی که در مقام برتر و عالی باشد نیز اطلاق می شود (خطیب، ۱۴۳۰ ه. ق، ۲۵۸/۶).

د) أو ما ملکت أیمانهن

«ملک یمین»، یعنی کنیز، اما برخی گفته اند که مراد از این کلمه مطلق بردگان است، چه مرد باشد، چه زن.

ه) غیر

اعراب «غیر» در این جا دو وجه دارد: جرّ و نصب. جرّ از آن رو که کلمه «غیر» وصف برای کلمه «التابعین» باشد و نصب از آن رو که حال یا استثنا باشد. (خطیب، ۱۴۳۰ ه. ق، ۲۵۸/۶)

و) الإربة

این واژه به معنی نیاز و ولع داشتن به چیزی است. عبارت «غَيْرِ أُولِي الإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ» یعنی، مردانی که نیاز و تمایلی به زن ندارند. «إربة» به معنای عقل نیز آمده است و کلمه أربب نیز از همین معنا مشتق شده است. (رازی، ۱۴۱۱ ه. ق، ۲۳ / ۲۰۹)

«أرب، إرب وإربة» همه به یک معناسست و جمع آن مآرب است. راغب در مفردات در معنای آن گفته است:

«إرب» یعنی، نیاز شدید و خواستی که دفع آن انسان را به چاره‌اندیشی وادارد. پس هر «إربی» احتیاج و تمایل است، اما هر خواست و احتیاجی «إرب» نیست. از این رو، گاهی کلمه «إرب» فقط به معنای حاجت و نیاز استعمال می‌شود و گاهی به معنای چاره‌اندیشی؛ هر چند حاجتی نباشد و قول خداوند در قرآن «أُولَى الْأَرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ» کنایه از احتیاج و نیاز به ازدواج است. (المفردات، ص ۷۲)

جمله «غَيْرِ أُولَى الْأَرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ» یعنی، غیر افرادی که میل و شهوت یا احتیاج به زن دارند. برخی، «غَيْرِ أُولَى الْأَرْبَةِ» را افراد کم عقل، ابله و احمقی که از امور جنسی هیچ درکی ندارند، مثال زده‌اند. (صابونی، بی تا، ۱۴۶/۲)

ن الطفل

کلمه طفل اسم جنس است که هم به معنای جمع می‌آید و هم به معنای مفرد همانند کلمه «ضیف»؛ طفل در آیه شریفه به معنای جمع است؛ به دلیل این که در جمله «أَوِ الْطِفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا» فعل را به صورت جمع آورده و کلمه «الذين» نیز که وصف آن است، جمع است.

«الف ولام» در «الطفل» هم برای استغراق است. (رک: صابونی، بی تا، ۱۴۶/۲؛ راغب اصفهانی، ۵۱۴۲۶.ق، ص ۵۲۱؛ قرطبی، ۵۱۴۰۵.ق، ۱۲/۲۳۶) بنابراین، کلمه «الطفل» عطف بر «بعولتهن» است. برخی احتمال داده‌اند که «الذين» وصف برای «التابعين» است که در این صورت «الطفل» عطف بر «الرجال» است. (مقدس اردبیلی، بی تا، ص ۶۹۰)

ح لم يظهروا

این کلمه یعنی، اطلاع نیافتند. یا این که «لَمْ يَظْهَرُوا» از ماده ظهور به معنای غلبه باشد؛ یعنی «توانایی جنسی ندارند». این معنا- چنانکه برخی به آن اشاره کرده‌اند- کنایه از بلوغ است. (طباطبایی، ۵۱۴۱۷.ق، ۱۱۲/۱۵)

ط عورات النساء

عورت یعنی، جایی از بدن انسان که تصریح به آن زشت است و کلمه عورت کنایه از آن موضع است. اصل آن از «عار» است و بدین جهت به آن موضع عورت گفته شده که وقتی ظاهر می‌شود، زشتی و مذمّت را برای انسان در پی دارد. (راغب اصفهانی، ۱۴۲۶، ص ۵۹۵) البته در توضیح آن خواهد آمد که آیا مراد از عورت خصوص آلات جنسی است یا اعم از آن؛ یعنی مجموع ناف تا زانو را شامل می‌شود.

۲-۳. محورهای مورد بحث درباره «زینت» در آیه ۳۰ از سوره نساء

۱-۲-۳. محور اول

درباره این قسمت از آیه که می‌فرماید: «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا»، دو بحث وجود دارد: نهی از ابدای زینت به چه معناست؟ مراد از جمله «إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» چیست؟

۱-۲-۳. معنای نهی از ابدای زینت

الف) نظریه اول: منظور، نهی از آشکار ساختن زینت است؛ زیرا ابداء در لغت به معنای آشکار کردن و نمایاندن برای غیر است. صاحبان این نظریه در تفسیر «زینت» به دو گروه تقسیم می‌شوند:

گروه اول زینت را به عضوی که محل زینت زن است، تفسیر کرده‌اند، نه خود زینت، خواه زن آن قسمت بدن را به زیورآلات و لوازم آرایش، آراسته باشد یا نیاراسته باشد، این اطلاق مجاز بوده و از باب اطلاق حال و اراده محل است؛ بدین جهت که آرایش و زیورآلات، آن مواضع را می‌پوشانند. دلیل این تفسیر، استثنایی است که بعد از نهی (ولاییدین زینتهن) تکرار شد. در استثنای اول (لاییدین زینتهن) «إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» آنچه از زینت که آشکار است، از مورد نهی استثنا شد، پس نهی و حرمت، اختصاص به زینت‌های غیر آشکار دارد. در استثنای دوم (ولاییدین زینتهن) «إِلَّا لِبَعُولْتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ...» گروه‌های دوازده‌گانه خویشاوندان استثنا شده‌اند و حرمت اختصاص به غیر آنان دارد. این معنا در صورتی صحیح است که مراد از زینت، موضع و محل آن باشد؛ چون اظهار زینت به خودی خود جایز است و در آشکار ساختن آن فرقی میان گروه‌های استثنا شده و غیر آن نیست و احتمال حرمت به‌طور قطع منتفی است. بنابراین، متعین است که مراد از زینت، محل آن است. برخی روایات نیز مؤید این نظریه است. از جمله:

عایشه از نبی اکرم ﷺ نقل کرده که فرمود:

لَا يَحِلُّ لِمَرْأَةٍ تُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ تَظْهَرَ لِأَجْهَبِهَا وَوَجْهَهَا إِلَى هَاهُنَا وَتَقْبِضَ

نصف الذراع.

عایشه از پیامبر ﷺ نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: برای زن مؤمن بالغ جایز نیست که اعضای بدنش را نمایان سازد، مگر صورت و دست را تا مِج. (قرطبی، ۱۴۰۵، ۱۲/۲۲۹)

ابوداود نیز نزدیک به همین مضمون را روایت کرده است:

عَنْ أُمِّ الْمُؤْمِنِينَ عَائِشَةَ: أَنَّ أَسْمَاءَ بِنْتَ أَبِي بَكْرٍ دَخَلَتْ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَعَلَيْهَا ثِيَابٌ رِقَاقٌ، فَأَعْرَضَ عَنْهَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَقَالَ: «يَا أَسْمَاءُ إِنَّ الْمَرْأَةَ إِذَا بَلَغَتْ الْمَحِيضَ لَمْ تَصْلِحْ أَنْ يَرَى مِنْهَا إِلَّا هَذَا وَهَذَا» وَأَشَارَ إِلَى وَجْهِهِ وَكَفْيَتِهِ.

عایشه می‌گوید: اسماء دختر ابوبکر، روزی بر رسول خدا- درود خدا بر او و خاندانش باد- وارد شد؛ در حالی که لباس نازکی بر تن داشت. رسول خدا از او رو برگرداند و فرمود: «ای اسماء، زن وقتی به سن بلوغ رسید، سزاوار نیست که به جز از صورت و دو تا دستش تا مچ دیده شود». (أبوداود، ۱۴۱۰، ۲/۲۷۰)

روایت دیگر صحیحه فضیل است که می‌گوید:

سألت أبا عبد الله عليه السلام عن الذراعين من المرأة هما من الزينة التي قال الله: «وَلَا يُبَدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ» قال: «نعم و مادون الخمار من الزينة و مادون السوارين».

فضیل می‌گوید: از امام صادق عليه السلام درباره دست زن تا ذراع پرسیدم که آیا جزء زینتی که خداوند در قرآن فرموده: «وَلَا يُبَدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ»، محسوب می‌شود؟ حضرت فرمود: بله، از روسری پایین‌تر و نیز از موضع النگو (به سمت ذراع) جزء زینت است. (حر عاملی، ۱۴۰۹)

بنابراین، می‌توان طبق این تفسیر گفت که اطلاق زینت بر بدن زن حقیقت است، نه مجاز و این اطلاق به لحاظ زیبایی طبیعی زن است؛ چون زن در خلقت و تکوین خود صاحب زینت و جمال است و این یکی از ویژگی‌های او است. این زینت طبیعی شامل اغلب اعضای بدن زن می‌شود، مگر عورت که جزء زینت محسوب نمی‌شود، بلکه قبیح شمرده شده است. به همین دلیل، در قرآن نیز بر آن «سوءاً» (زشتی) اطلاق شده است. برخی این نظریه را توسعه داده و گفته‌اند: مراد از زینت در آیه تمام اعضای بدن زن است، نه مقداری که محل آرایش و زینت است. این در حالی است که برخی دیگر احتمال داده‌اند که مراد از زینت فقط موضع آن به ویژه مواضع پنهان است؛ از این رو، به غیر آن سرایت داده نمی‌شود.

گروه دوم کسانی هستند که زینت را به آنچه زن با آن، خود را می‌آراید، معنا کرده‌اند. طبق این معنا، زینت از حیث عرف و لغت یک مفهوم عام است و قسمتی از آیه که می‌فرماید: «وَلَا يُضْرَبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ؛ زنان هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانشان معلوم شود»، مؤید این معناست؛ چون کوبیدن پا بر زمین موجب معلوم شدن محل زینت (بدن زن) نمی‌شود، بلکه موجب علم به خود زینت‌هایی چون خلخال و مانند آن می‌شود که این قبیل زینت‌ها با حرکت پا صدایی ایجاد و توجه مردان نامحرم را به خود جلب می‌کنند. (موسوی خویی، ۱۴۱۳ ه. ق، ۱/۵۴-۵۵)

برخی از روایاتی که در این زمینه وارد شده و زینت را به خود زینت از قبیل لباس، سرمه، انگشتر و خضاب کردن کف دست و انگشتان و مانند آن معنا کرده‌اند نیز مؤید این تفسیرند. (قرطبی،

۱۴۰۵، ۱۲/۲۲۹)

البته این معنا (حرمت آشکار کردن خود زینت)، به حسب مدلول مطابقی است، ولی مانعی ندارد کسی ادعا کند که بین حرمت آشکار ساختن زینت و حرمت آشکار ساختن محل آن، دلالت التزامی و عرفی هم وجود دارد، و در آیه از باب مبالغه به حرمت اظهار خود زینت تصریح شده است؛ چون این زینت در مواضعی قرار می‌گیرند که نگاه به آن مواضع برای افرادی که در آیه ذکر نشده‌اند، حرام است. (مقدس اردبیلی، بی تا، ص ۶۸۸)

ب) نظریه دوم: برخی از معاصران میان معنای ابدأ در جمله اَوَّل (لَايِدِين زَيْنَتَهْنَ اِلَّا مَا ظَهَرَمْنَهَا) و معنای آن در جمله دوم (وَلَايِدِين زَيْنَتَهْنَ اِلَّا لِبِعْوَلَتِهِنَّ...) تفاوت قائل شده‌اند. بدین معنا که ابدأ در جمله اَوَّل به معنای رها کردن و باز گذاشتن چیزی است و منظور از نهی از آن، وجوب پوشش است؛ یعنی کشف زینت و باز گذاردن آن، حرام و پوشاندن آن واجب است. اما ابداء در جمله دوم، یعنی نمایاندن و به نامحرمان نشان دادن است؛ چون در جمله دوم فعل ابداء با «لام» در «لِبِعْوَلَتِهِنَّ» متعدی به مفعول دوم شده است (موسوی خویی، ۱۴۱۳/۱، ۵۵-۵۶). طبق این نظریه، دو حکم در آیه شریفه وجود دارد و برای هر حکمی نیز استثنایی، نه این که یک حکم باشد و دو استثنا.

حکم اَوَّل: حرمت کشف زینت و وجوب پوشش آن بر زن به استثنای مواضعی که همیشه ظاهر و آشکار است؛ مانند دستان تا مچ و گردی صورت.

حکم دوم: حرمت آشکار کردن زینت و آرایش در مقابل مردان به استثنای گروه‌های دوازده‌گانه‌ای که در آیه ذکر شده‌اند. تکرار نهی - لاییدین زینتهن - در آیه و امر به انداختن مقنعه و روسری بر گریبان بعد از نهی اول و ذکر آن پیش از افرادی که بعد از نهی دوم استثنا شده‌اند، مؤید این معناست. ممکن است گفته شود که تکرار نهی در آیه به جهت مقدمه‌سازي برای استثنای دوم است، نه اینکه مفید حکم جدید باشد. در پاسخ باید گفت: که این به‌گونه‌ای تطویل در عبارت و خلاف بلاغت است، انگیزه‌ای برای گنجاندن امر به انداختن مقنعه تا روی سینه در وسط کلام (بین دو استثنا) وجود ندارد؛ چون می‌توانست قبل از نهی اَوَّل با عطف بر جمله «يَخْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ» آن را ذکر کند یا در انتهای آیه ذکر شود.

۳-۲-۱. مراد از جمله «اِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا»

بحث دوم آن است که مراد از جمله «اِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» که به عنوان استثناء در جمله اَوَّل ذکر شده، چیست؟ در این جا نیز چند نظر وجود دارد:

الف) نظر اَوَّل: مراد از آن، زینت آشکار یعنی، لباس است و چنانکه از ابن مسعود نقل شده است، آشکار کردن

آن جایز است و هیچ دلیلی بر مخفی داشتن آن نیست؛ مانند ردایی که خانم‌ها بر دوش می‌افکنند، (صابونی، بی‌تا، ۱۷۳/۲) برخلاف زینت باطنی که معمولاً به بدن چسبیده است و آشکار ساختن آن مستلزم آشکار شدن بدن خواهد شد و نگاه به آن نیز مستلزم نگاه به بدن می‌شود. (حلی سیوری، ۱۴۲۵، ۲۲۲/۲)

ب) نظر دوم: مراد از آن لباس و صورت است. این معنا از ابن جبیر حکایت شده است. سعید بن جبیر، عطا، ضحاک و اوزاعی از ابن عباس حکایت کرده‌اند که زینت نمایان، صورت و دو دست تا مچ و انگشتر است. (طبرسی، ۱۴۱۸ ه. ق، ۴/۱۳۸؛ قرطبی، ۱۴۰۵ ه. ق، ۱۲/۲۲۸)

ج) نظر سوم: مراد از آن لباس، صورت و دستان تا مچ است. این معنا نیز به نقل از ابن جبیر است. شاید نظریه دوم و سوم یکی باشد؛ زیرا هیچ دلیلی بر تفریق بین صورت و کف دست وجود ندارد.

د) نظر چهارم: مراد از آن آرایش‌های ظاهر مانند سرمه کشیدن، النگو، انگشتر، خضاب کردن دست و مانند آن است.

و) نظر پنجم: مراد، صورت و دستان تا مچ است. (قرطبی، ۱۴۰۵ ه. ق، ۱۲/۲۲۸-۲۲۹) بسیاری از فقها همین معنای پنجم را اختیار کرده‌اند؛ چون صورت و دست‌ها تا مچ معمولاً همیشه پیداست و پوشاندن آن بر زن موجب عسر و حرج خواهد بود، ولی به نظر می‌رسد این عسر و حرج از نظر عرف، منحصر در صورت و دست‌ها نیست، بلکه روی پا و حتی کمی بالاتر از آن را نیز شامل می‌شود. اگر در این تفاسیر، نیاز عرفی ملاک باشد، جمله «إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» اقتضای چنین توسعه‌ای را خواهد داشت و نمی‌توان آن را به صورت و لباس ظاهر منحصر کرد. (جمعی از مؤلفان، بی‌تا)

۳-۲-۲. محور دوم

«وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ»

۳-۲-۱. نکته اول

این فقره، متضمن حکمی درباره زینت و آرایش زنان است و زنان را از کوبیدن پا بر زمین نهی فرموده است. کوبیدن پا بر زمین در عصر جاهلیت بین زنان مرسوم و متعارف بوده است؛ به طوری که اگر یکی از زنان در بین راه به جمعی از مردان برمی‌خورد، در صورتی که خلخال بر پای داشت، پاها را بر زمین می‌کوبید تا صدای خلخال به گوش مردان برسد. از این رو، خداوند زنان مؤمن را از این کار برحذر داشت.

یا ممکن است مراد از «ضرب الارجل»، زدن پاها به یکدیگر باشد تا دیگران بدانند که او خلخال

برپای دارد. (زمخشری، ۱۴۱۷ ه.ق، ۳/ ۲۳۳) دلیلی بر حصر آیه در برخی از مصادیق - با توجه به این که قیدی در آیه به کار نرفته است - وجود ندارد. به هر حال، آیه زنان را از کوبیدن پا بر زمین نهی کرده و نهی نیز ظهور در حرمت دارد. بنابراین، نفس این که زن به دیگران بفهماند که دارای زینت است - هر چند خود زینت مخفی باشد - حرام است. این حکم برای بطلان این توهم است که حکم حرمت در آیه شریفه، فقط متعلق به اظهار زینت است و بس، بلکه غرض حکم، جلوگیری از تحریک جنسی به طور نامشروع است. تحریک جنسی از طریق رساندن صدای زینت به گوش نامحرم، کم‌تر از نشان دادن زینت نیست.

۳-۲-۲. نکته دوم

آیا مراد آیه، مقید کردن حرمت به صورتی است که مقصود زن از به صدا درآوردن زینت خود، شنواندن صدای آن به گوش مردان نامحرم باشد، چنانکه از ظاهر آیه استفاده می‌شود (قرطبی، ۱۴۰۵ ه.ق، ۱۲/ ۲۳۳-۲۳۲) که در این حال، حرمت دایرمدار قصد است؟ یا اینکه منظور آیه نهی از این کار است، اگر منجر به حرام شود؟ بدین معنا که اگر پای بر زمین کوبیدن زنان به قصد جلب توجه مردان، منجر به فعل حرامی گردد، حرام است وگرنه، حرام نیست؟ (مقدس اردبیلی، بی‌تا، ص ۶۹۱) یا اینکه مقصود آیه، نهی از به صدا درآوردن خلخال و مانند آن در مقابل مردان نامحرم به طور مطلق است، خواه زن قصد جلب توجه مردان نامحرم را داشته باشد یا نداشته باشد. به اعتبار اینکه نتیجه کوبیدن پا بر زمین و به صدا درآوردن خلخال، پی بردن مردم به زینت‌های پنهان زنان و فریفته شدن به آنان است؟ براساس این احتمال، لام در جمله «لِيُعْلَمَ» لام عاقبت است؟

۳-۲-۳. نکته سوم

ممکن است از این قسمت از آیه استفاده کرد که هرگونه حرکت یا فعل صادر از سوی زن که سبب تحریک شهوت مردان شود، حرام است؛ مانند آرایش صورت، استعمال عطر و بوی خوش یا پوشیدن لباس تنگ، هر چند تمام بدن پوشیده باشد. پس هرگاه ملاک حرمت، تحریک شهوت نامحرم باشد، این افعال نیز حرام است (ایروانی، ۱۴۲۸ ه.ق، ۱/ ۳۸۳)

۴. نتیجه‌گیری

سؤال اصلی پژوهش این بود که دیدگاه آیه ۳۰ سوره نور در مورد اظهار زینت زن چیست؟ که پس از بحث و بررسی این نتیجه حاصل شد که پوشاندن زینت برای بانوان واجب است، مگر جاهایی

که همیشه ظاهر و آشکار است؛ مانند دستان تا میج و گردی صورت و همچین آشکار کردن زینت در مقابل مردان به جز گروههای دوازدهگانه که در آیه بیان شد، حرام است.

فهرست منابع

* قرآن کریم

۲. ابوداود، سلیمان ابن اشعث (۱۴۱۰هـ.ق). سنن أبي داود. بيروت: دارالفکر. بيروت.
۳. ایروانی، باقر (۱۴۲۸هـ.ق). دروس تمهیدیه فی تفسیر آیات الأحکام. قم: دارالفقه.
۴. جمعی از مؤلفان (بی تا). مجله فقه اهل بیت (علیهم السلام) (فارسی). جلد ۵۶.
۵. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹هـ.ق). تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة. قم: مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث.
۶. حلّی سیوری، مقداد بن عبدالله (۱۴۲۵هـ.ق). کنز العرفان فی فقه القرآن. قم: انتشارات مرتضوی.
۷. خطیب، عبداللطیف محمد (۱۴۳۰هـ.ق). معجم القراءات. دمشق: دارسعدالدین.
۸. خوبی، سید ابوالقاسم موسوی (۱۴۱۳هـ.ق). المستند فی شرح العروة الوثقی. بی جا: بی نا.
۹. رازی، فخرالدین (۱۴۱۱هـ.ق). التفسیر الکبیر او مفاتیح الغیب. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۲۶هـ.ق). ال مفردات فی غریب القرآن. بیروت: دارالمعرفته.
۱۱. زمخشری، ابوالقاسم محمود بن عمر (۱۴۱۷هـ.ق). الکشاف. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۲. صابونی، محمد علی (بی تا). روائع البیان فی تفسیر آیات الاحکام من القرآن. بیروت: المکتبه العصریه.
۱۳. طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۷هـ.ق). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۴. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۸هـ.ق). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسین قم.
۱۵. طریحی نجفی، فخرالدین (۱۴۱۶هـ.ق). مجمع البحرین و مطلع النیرین. تهران: کتابفروشی مرتضوی.
۱۶. قرطبی، ابن رشد (۱۴۰۵هـ.ق). الجامع لاحکام القرآن. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۷. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (بی تا). زبدة البیان فی أحكام القرآن. تهران: المکتبه الجعفریه.
۱۸. موسوی خوبی، ابوالقاسم (۱۴۱۳هـ.ق). مستند العروة. بی نا: بی تا.

آرایش و زینت زن از نظر قرآن و سنت

ماجده زرگوش^۱

چکیده

انسان‌ها به‌طور فطری زیبایی را دوست دارند. از این رو، آرایش و زینت همواره مورد توجه آنها بوده است که در عصر حاضر نیز گسترش و توسعه این مسئله در جوامع به‌وضوح دیده می‌شود. و با توجه به مبتلابه بودن، مسئله زینت از اهمیت زیادی برخوردار است و لازم است روشن شود که آرایش و زینت از نظر قرآن و سنت رسول اعظم ﷺ چه جایگاهی دارد و دستورهای ایجابی و سلبی درباره «زینت» در کتاب و سنت بررسی شود. در مورد زینت و آرایش اصل بر مباح بودن آن است و آرایش زن برای شوهر و شوهر برای همسر خود مستحب است، اما آرایش زن برای مردان بیگانه حرام، نامشروع و زمینه‌ساز فساد و بی‌بند و باری است. زینت و آرایش با وسایل مختلفی مانند لباس، زینت‌آلات، پاکیزگی، بوی مطبوع، آرایش مو و چهره انجام می‌شود. در ارتباط با لباس و آراستگی اموری مستحب و برخی مباح و برخی هم حرام است.

واژگان کلیدی: زینت، آرایش، تبرج، سنت.

۱. مقدمه

از جمله مباحث مبتلابه امروز، زینت‌کردن و خودآرایی است. گرایش انسان‌ها به سوی زیبایی و آراستگی و نیز پیراستگی از پلیدی‌ها یک نیاز کمال‌خواهانه است که در سرشت انسان نهاده شده و همین امر سبب گرایش دختران و پسران به سوی فرهنگ‌ها و مدل‌های گوناگونی شده که نیک و بد آن آمیخته به هم، در قالب‌های زیبا به آنها عرضه می‌شود که همین امر سبب تغییر رفتارها و نگرش‌های آنان می‌گردد. اگر این نیاز بر اساس مبانی ارزشی و فرهنگ دینی پاسخ داده نشود، جوانان به سراغ فرهنگ بیگانه رفته و آن را به همراه دیگر آموزه‌های آن و خارج از حد و مرزهای دینی به دست می‌آورند. از سوی دیگر موضوع آرایش و پیرایش بانوان و بایسته‌ها و نبایسته‌های آن، در نشاط جسمی و روحی بانوان و استحکام خانواده‌ها و سلامت جامعه نقش بسیاری دارد. در خلقت و طبیعت هر انسانی، کمال‌خواهی به ودیعت نهاده شده است. زیبایی و جمال جزئی از کمالات است و زیباجویی و جمال‌دوستی از جمله چیزهایی است که در سرشت آدمی تعبیه شده است. به گفته استاد مطهری: «گرایش انسان به زیبایی و جمال یکی از خواسته‌های فطری انسان است و احساس لذت از زیبایی و تناسب و پاکیزگی‌ها، با سرشت انسان آمیخته شده است» (مطهری، ۱۳۶۲، ص ۸۰).

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، رشته فقه خانواده، مؤسسه آموزش عالی بنت‌الهدی، از کشور عراق.

این خوی در افرادی که به جوانی می‌رسند بیشتر تجلی می‌کند؛ زیرا ایشان در دوره‌ای قرار دارند که زیبایی طبیعی به اوج خود می‌رسد. این امر جسمانی روح آنها را نیز به خویش مشغول کرده است. بر این اساس، یکی از سرگرمی‌های جوان، رسیدگی کردن و افزودن به زیبایی جسمانی‌اش است. آنچه در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است، مسئله آرایش و زینت زنان است و دیگر آنکه زینت گاهی بر خود بدن طبیعی انسان، به‌ویژه بدن زن اطلاق می‌شود. مراد از زینت در این پژوهش، چیزهایی است که موجب می‌شود بدن انسان زیباتر و جذاب‌تر شود مانند لباس و زیورآلات.

اگرچه مسأله آرایش و زینت از قدیم مطرح بوده است، اما کم‌تر به صورت مستقل و منظم به این موضوع پرداخته شده است. آقای خالد غفوری در مقاله‌ای با عنوان «اظهار زینت زن و حکم آن»، ضمن بررسی آیه ۳۱ سوره مبارکه نور، حکم فقهی اظهار زینت زن را نیز بررسی کرده است. همچنین در کتاب آرایش و پوشش از دیدگاه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، تألیف مریم معین الاسلام، که بحثی روایی، تاریخی و جامعه‌شناختی است، مسأله حجاب و اهمیت مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. پژوهش حاضر با هدف معرفت‌افزایی درباره آرایش و زینت و اطلاع‌رسانی به دیگران در مورد این مسئله انجام پذیرفته است.

سؤالاتی که این پژوهش در صدد پاسخ‌گویی به آنها است عبارتند از: جایگاه آرایش و زینت زن از نظر قرآن و سنت رسول اکرم صلی الله علیه و آله چیست؟ دستوره‌های ایجابی درباره زینت کدام است؟ دستوره‌های سلبی درباره زینت چیست؟

«آرایش» اسم مصدر «آراستن، زیور، جمال زین، زبرج، حلیه» است و «آرایش کردن» به معنای آراستن و جلوه کردن می‌باشد. (دهخدا، ۱۳۷۷، ۶۲/۱)

«زینت» نیز از ماده زین می‌آید که مقابل زشتی است. (فراهیدی، ۱۴۱۰ هـ.ق، ۳۸۷/۷) طریحی در مجمع‌البحرین می‌گوید: «زینت آن چیزی از زیورآلات و لباس و مانند آن است که انسان به واسطه آن آراسته می‌شود» (طریحی، ۱۴۱۶ هـ.ق، ۲۶۲/۶)، و تعریف آن در المحيط به این صورت آمده است: «زینت اسم جامعی است برای هر چیزی که به واسطه آن آراسته شود، و جمع آن زین است» (اسماعیل بن عباد، ۱۴۱۴ هـ.ق، ۹۴/۹).

۲. جایگاه زیبایی و آرایش

آرایش، امری فطری و طبیعی است و گرایش فطری زن به آرایش، آثار روانی بسیار مثبتی برای وی دارد. بی‌میلی به آراستگی و آرایش، نشانه اختلال شخصیتی و روانی در فرد است. بر این اساس،

پوشیدن جامه زیبا، بهره‌گیری از مسواک و شانه زدن مو، خوش بو بودن، استفاده از انگشتر و آراستن خویشتن هنگام عبادت جزو مستحبات مؤکد است.

سه زن محضر رسول خدا ﷺ رسیدند و از شوهران خود شکایت کردند. یکی از آنان نسبت به خودداری شوهرش از کاربرد بوی خوش گله داشت. رسول خدا ﷺ بی‌درنگ در حالی که به نشانه خشم ردایش را به زمین می‌کشید، از خانه به مسجد رفت و بر منبر آمد و فریاد کرد: «چه می‌شود گروهی از یاران مرا که ترک گوشت و بوی خوش و زن کرده‌اند؟ همانا من هم گوشت می‌خورم و هم بوی خوش به کار می‌برم و هم از زنان بهره می‌گیرم و هر کس از [شیوه] من روی گرداند، از من نیست.» (الکلبینی، ۱۳۶۳، ۵/۱۱۹)

هنگامی که رسول خدا ﷺ نزد اصحاب می‌رفت، به آینه نگاه می‌کرد و موهای خود را شانه می‌زد و مرتب می‌کرد و می‌فرمود: «خداوند دوست دارد وقتی بنده‌اش به نزد دوستانش می‌رود، خود را آماده و زیبا سازد.» (محمدی ری‌شهری، ۱۴۱۶ ه.ق، ۱/۴۱۴) قرآن کریم نیز آفرینش و وسایل تجمل را از لطف‌های خدا نسبت به بندگانش می‌داند (ر.ک: اعراف: ۳۱ و ۳۲). همچنین در اسلام، زنی را که کوتاهی می‌کند و خود را برای شوهرش نمی‌آراید، سرزنش شده است. (مجلسی دوم، ۱۴۱۰ ه.ق، ۷۰/۱۲۲)

رسول گرامی اسلام ﷺ فرمود: «پاکیزه باشید و خودتان را شبیه یهود نکنید. زنان یهودی که زناکار شدند، بدان جهت بود که شوهرانشان کثیف بودند.» (حر عاملی، ۱۴۰۹ ه.ق، ۳/۳۵۵). از این رو، در آموزه‌های دینی تأکید شده است که خودتان را پاکیزه کنید تا زنانتان به شما متمایل گردند (الهی بلندشهری، ۱۳۹۰، ص ۸۶).

اهتمام رسول خدا ﷺ به زینت و آرایش زنان، نشان‌دهنده وجود مصالح فردی و اجتماعی است؛ زیرا شارع مقدس، قوانین و دستورهای دینی را بر اساس مصالح فردی و اجتماعی وضع می‌کند و در هر امری که مصلحتی وجود داشته باشد، احکام متناسب را به صورت واجب یا مستحب صادر می‌کند.

۳. دستورهای ایجابی درباره زینت

از آن جا که در امر زینت، مصالحی برای انسان به ویژه زنان نهفته است، شارع مقدس آن را مستحب دانسته و دستورهایی در مورد آن صادر کرده است. البته این دستورها، ایجابی و سلبی‌اند. در بعد ایجابی، افراد مؤمن باید آراسته باشند و از زینت حتی هنگام عبادت استفاده کنند. شرع مقدس، به زنان بیش از سه روز اجازه ترک زینت نداده است.

پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

لَا يَحِلُّ لِامْرَأَةٍ تُوْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ تَحُدَّ عَلَى مَمَاتٍ فَوْقَ ثَلَاثِ لَيَالٍ إِلَّا عَلَى زَوْجِ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا.

برای زنی که به خدا و روز جزا ایمان دارد، جایز نیست برای مرده‌ای بیش از سه روز آرایش را ترک کند، مگر برای زوج خود که واجب است چهار ماه و ده روز آرایش نکند. (عاملی (شهید اول)، ۱۴۱۰ ه.ق، ۲ / ۴۲۴)

ایشان در جایی دیگر فرمود: «ان الله يحب من عبده اذا خرج الى اخوانه ان تهيأ لهم ويتجمل؛ همانا خداوند دوست دارد بنده‌اش وقتی برای دیدار برادرش خارج می‌شود، خود را آماده کند و برای آنان زیبا سازد». (محمدی ری شهری، ۱۴۱۶ ه.ق، ۱ / ۴۱۴) بر اساس سخن تاریخ‌نگاران، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نه تنها مخالف زیبایی و آرایش نبود، بلکه بر آن تأکید می‌ورزید و حتی رهنمودهایی نیز برای زیباسازی ارائه می‌کرد. توجه به این گزارش‌ها به خوبی نمایانگر جایگاه آرایش و زیبایی از دیدگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله است.

امام صادق علیه السلام فرمود: «پیامبر به زنی به نام ام عطیه که آرایشگر بود، گفت: ای ام عطیه، وقتی دختری را آرایش می‌کنی، صورتش را با پاره پارچه پاک مکن. بی شک، تکه پارچه، جلوه چهره را می‌گیرد». (کلینی، ۱۳۶۳، ۵ / ۱۱۸) این روایت نشان‌دهنده توجه رسول خدا صلی الله علیه و آله نسبت به آرایش، زیبایی و بهداشت پوست برای حفظ زیبایی است.

همچنین از امام صادق علیه السلام چنین نقل شده است: «زن آرایشگری محضر رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله رسید. حضرت از جمله سفارش‌هایی که به وی کرد، این بود که برای زیباتر شدن زنان، گیسو را به گیسو گره مزین». (کلینی، ۱۳۶۳، ۵ / ۱۱۹)

امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: «پیامبر فرمود: عطر زنانه باید خوش‌رنگ و دارای بوی ملایم باشد و عطر مردانه باید کم‌رنگ و از بوی تند برخوردار باشد». (حرعاملی، ۱۴۰۹ ه.ق، ۱ / ۴۴۴)

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله درباره زینت و آرایش، به تفاوت میان زن و مرد توجه ویژه‌ای داشت. همچنین به مردان دستور می‌داد ناخن خود را کوتاه کنید و به زنان می‌گفت ناخن خود را کوتاه نکنید و برای زینت، کمی ناخن خود را بلند نگه دارید. (حرعاملی، ۱۴۰۹ ه.ق، ۱ / ح ۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله به زنان اجازه می‌داد تا موهای خود را با رنگ بیارایند. ایشان به زنان همسر دار فرمود خود را با رنگ برای شوهرانشان آرایش دهند و زنان بی همسر را دستور داد تا دست‌های خود را حنا ببندند تا به دست‌های مردان شباهت نداشته باشند. (حرعاملی، ۱۴۰۹ ه.ق، ۱ / ۴۴۴)

بر اساس سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله، زینت و تجمل در نظر شارع مقدس، محبوب است و از جمله مستحبات، زینت به قصد اظهار نعمت‌های الهی است. توجه به زینت، تخلق به اخلاق الهی

است. از این رو، پیامبر می فرمود: «ان الله جميل و يحب الجمال». (طبرسی، ۱۴۱۵ هـ.ق، ۶۷۳/۴)

در سیره نبوی، مسئله زینت و توجه به وضع ظاهر چنان مهم است که حضرت به کسانی که به این امر بی توجه بودند، اعتراض و با آنان برخورد می کرد. ابن عباس نقل می کند: «پیامبر به یکی از همسران خود که مویی ژولیده و ظاهری ناآراسته داشت، تذکر داد و به وضع ظاهری او اعتراض کرد». (کلینی، ۱۳۶۳، ۱۱۸/۵)

در روایتی آمده است که شخصی به نام ابوریحانه به حضور رسول خدا ﷺ رسید و عرض کرد: «ای رسول خدا ﷺ، من زیبایی را دوست دارم، حتی زیبایی کفش را. آیا این از تکبر است؟ حضرت فرمود: خداوند زیباست و زیبایی را می پسندد و دوست دارد که اثر نعمت خود را در بنده اش ببیند». (احسان بخش، ۱۳۶۶، ۳۱۲/۲)

از منظر دین، هزینه کردن برای زینت و آرایش جزو امور ضروری و لازم است و حتی این امر از انفاق در راه خدا پسندیده تر است. پیامبر اکرم ﷺ در وصایای خود به امیرمؤمنان علیؓ فرمود: «دِرْهَمٌ فِي الْخِضَابِ أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ دِرْهَمٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ فِيهِ أَرْبَعٌ عَشْرَةَ خَصْلَةً؛ هزینه یک درهم برای خضاب ارزشمندتر از هزینه هزار درهم در راه خداست و در خضاب کردن چهارده ویژگی است» (حرعاملی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۸۵/۲). دلیل این سخن پیامبر، وجود آثار مثبت خضاب است.

آن زمان که پیامبر ﷺ فهرست جهیزیه دخترش را تهیه کرد، عطر جزء یکی از کالاها بود. این موضوع نشان دهنده اهمیت مسئله زینت است. همچنین از حضرت رسول ﷺ نقل شده است: «احسنوا لباسکم و اصلحو احوالکم حتی تکونوا کانکم شاته فی الناس؛ زیبا لباس بپوشید و مرکب خوب سوار شوید تا در نگاه مردم خوب جلوه کنید» (محمدی ری شهری، ۱۴۱۶ هـ.ق، ۴۱۴/۱). سفارش برای بهره مندی از عطر، خضاب، مسواک و داشتن لباس پاکیزه، همه بر استحباب مسئله زینت دلالت دارد.

۴. دستوره‌های سلبی درباره زینت

شارع مقدس، زینت و آرایش را به عنوان امری محبوب، برای زنان مطرح و در این راستا رهنمودهای لازم را ارائه کرده است. به موازات تأکید بر زینت و زیبایی، توجه دین داران زنان را همچنین به بخش آسیب زای زینت هم جلب کرده اند و دستوره‌های سلبی هم در این راستا بیان داشته است.

۴-۱. آشکار نکردن زینت

از عنوان های مهمی که حکم استحباب زینت را به حرمت تغییر می دهد، آشکار کردن زینت زن

است که قرآن کریم از این عمل نهی فرموده است: «لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» (نور: ۳۱).
 فقهای مسلمین اتفاق نظر دارند که زن باید بدن خود را به جز دست و صورت بپوشاند،
 همچنین در حرمت نگاه کردن مرد به غیر دست و صورت زن، وحدت نظر دارند؛ زیرا حرمت نشان
 دادن زینت بر زن به طور یقینی برای باز داشتن مردان از نگاه به آنها است و زینت موضوعیتی
 نداشته تا سبب حرمت شود، بلکه مقدمه‌ای است برای باز داشتن نگاه مردان به زنان. برای این
 منظور باید زینت شناخته شود تا حکم به حرمت نشان دادن زینت زن به مرد شود.

وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ
 مِنْهَا وَلَا يَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ...

به زنان با ایمان بگو چشم‌های خود را از نگاه (هوس آلود) فروگیرند و دامان خویش
 را حفظ کنند و زینت خود را جز آن مقدار که نمایان است، آشکار ننمایند و [اطراف]
 روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند [تا گردن و سینه با آن پوشانده شود] و زینت خود را
 آشکار نسازند، مگر برای شوهرانشان.... (نور: ۳۱)

تفسیرهای متعددی برای واژه «زینت» در این آیه کریمه بیان شده که همه آنها بر وجوب
 پوشش زن دلالت دارد:

الف) مرحوم طبرسی قائل است که «زینت» به معنای محل زینت از بدن زن است. (طبرسی،
 ۱۴۱۵ ه. ق. ۴/۱۳۸)

ب) مقصود از «زینت» زیورآلات است. سید محمدباقر لکنهوی می‌گوید که مقصود، زینت‌های
 آویخته به بدن است که نگاه به آنها حرام است، نه زیورآلات که جدای از بدن باشد؛ زیرا نگاه به
 زینتی که بر بدن زن است، به طور معمول در اکثر موارد، ملازم با نگاه به بدن زن می‌باشد. روشن
 است که حرمت نگاه کردن به زینت‌های آویخته به بدن زن، نوعی مبالغه و تأکید در حرمت نگاه
 به محل زینت از بدن زن می‌باشد. «جمع الجوامع» درست گفته است که زمانی زنان از اظهار
 زیورآلات نهی شدند؛ سپس از اظهار صدای آنها مورد نهی قرار گرفتند. از این جا دانسته می‌شود
 که نهی از نشان دادن مواضع زیورآلات شدیدتر است. (رضوی لکنهوی، ۱۳۴۷ ه. ق. ص ۳۵)
 مرحوم جزایری در تفسیر قلائد الدرر، در آیات احکام می‌نویسد:

احتمال دارد مراد از زینت، خود زیورآلات باشد، به این معنا که هرگاه آنها بر بدن آویخته
 است، نگاه به آنها حرام است و در چگونگی تعبیر در آیه که نگاه به زینت‌های آویخته به
 بدن را حرام کرده، نه اعضای بدن که موضع زینت است، نوعی مبالغه در لزوم پوشاندن
 بدن و حرمت نگاه به آن، به چشم می‌خورد؛ زیرا در حلیت نگاه به زیورآلات جدا از بدن
 زن، بحثی نیست؛ پس حرمت نگاه به آنها به اعتبار همراه بودنشان با بدن، به طریق اولی

مستلزم حرمت نظر به مواضع زینت است. (جزایری، ۱۳۹۱، ۱۶۷/۳)

ج) مقصود از «زینت» معنایی است که شامل اعضای بدن زن و زیورآلاتی که بر بدن اوست، می‌شود. در روایتی از زراره از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «الزینة الظاهرة: الكحل والحام؛ زینت نمایان، سرمه و انگشتر است» (حرعاملی، ۵۱۴۰۹، ق، ۱۴/۱۴۶). و در صحیح‌ه فضیل روایت شده است: «سألْتُ أبا عبد الله عليه السلام عن الذراعين من المرأة، هما من الزينة التي قال الله: ولايبدين زينتهن إلا لبعولتهن؟ قال: نعم...» از امام صادق عليه السلام پرسیدم: آیا دو ساعد زن جزء زینتی است که خداوند فرمود: زینت خود را آشکار نسازید مگر برای شوهرانتان؟ فرمود: بله» (حرعاملی، ۵۱۴۰۹، ق، ۱۴/۱۴۵).
سید محمدباقر رضوی لکنهوی (۱۳۴۷ ه. ق) گوید:

استعمال واژه «زینت» در زینت‌های طبیعی شایع و فراوان است؛ همانطور که در شعر آمده «و کف خضیب زینت بنان؛ کف دست خضاب شده‌ای که به انگشتان مزین شده است»، بلکه در قرآن نیز در همین معنا استعمال شده: «المال والبنون زينة الحياة الدنيا؛ مال و فرزندان زینت زندگی دنیا هستند» (کهف: ۴۶).

زن زینت خود را نباید ظاهر کند مگر در دو مورد: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا يَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ...» (نور: ۳۱). دو استثنا در این جا وجود دارد:

یک استثنا در مورد خود زینت است، یعنی بعضی از زینت‌ها و به تعبیر قرآن زینت ظاهر و استثنای دوم در مورد افراد است؛ و مگر برای بعضی از طبقات که در برابر آن طبقات که غیر شوهر او هستند (در مورد شوهر که محرز است) زن می‌تواند حتی زینت غیر ظاهر را آشکار کند و آنها پدران، پسران، برادرزادگان، خواهرزادگان، فرزندان شوهر (و چند طبقه دیگر هستند).

امام صادق عليه السلام از رسول خدا صلى الله عليه وآله روایت می‌کند: «أَيُّ امْرَأَةٍ تَطَيَّبَتْ وَخَرَجَتْ مِنْ بَيْتِهَا فَهِيَ تُلَعْنُ حَتَّى تَرْجِعَ إِلَى بَيْتِهَا مَتَى مَا رَجَعَتْ؛ هر زنی که عطر بزند و از خانه خارج شود، لعنت بر او فرستاده می‌شود تا زمانی که به خانه بازگردد.» (حرعاملی، ۵۱۴۰۹، ق، ۱۴/۱۱۴)

۴-۲. تبرج بیمارگونه

یکی از ویژگی‌های مهم زنان، خودآرایی و خودنمایی است. در دین مبین اسلام، از این ویژگی با واژه «تبرج» یاد می‌شود که با توجه به معنای لغوی این واژه، بهتر می‌توان به تعریف خودآرایی پرداخت. در فرهنگ‌نامه‌ها، معانی زیر برای تبرج آورده شده است:

الف) جلوه‌گری و عرضه زیبایی‌ها؛ (المقری القیومی، بی تا، ۱/۴۲۰)

ب) خودنمایی در برابر مردان؛ (احمدزادی، ۲۰۱۱م، ۱/۲۴۰)

ج) تبرج از ماده برج، به معنای ظهور و آشکار ساختن است و به زنی که زیبایی هایش را در برابر نامحرم ظاهر می‌سازد، گفته می‌شود. (مصطفوی، ۱۳۶۸، ۲۲۷/۱)

بنابراین، خودآرایی و خودنمایی مترادف بوده و به معنای تبرج است. از نظر روانشناختی، خودآرایی یکی از نیازهای اصیل و فطری زن به شمار می‌آید و باید مورد احترام و توجه مرد قرار گیرد تا به علت پاسخ نگفتن به این نیاز فطری، آسیب‌های روحی روانی بر زن وارد نشود. (معین‌الاسلام، و طیبی، ۱۳۸۰، ص ۲۱۷)

زنان از نظر روانی، دارای ویژگی دیگرخواهی هستند و همین موجب خودآرایی در آنان می‌شود. در واقع، زنان به عرضه زیبایی خود نزد دیگران بیش از خود زیبایی علاقه نشان می‌دهند. از این رو، در محیط خانه کم‌تر به زیبایی‌های خود توجه دارند، ولی هنگامی که در مجالس و محافل عمومی شرکت می‌کنند، نسبت به زیبایی و آراستگی اهتمام بیشتری می‌ورزند. (معین‌الاسلام، و طیبی، ۱۳۸۰، ص ۲۱۷)

تجربه نشان داده است که اگر این حس تبرج و خودآرایی زنان در [داخل محیط خانواده] خود و هم‌جنس‌های آنها با آزادی کافی همراه باشد، آنها خود را از خودآرایی در مناظر عمومی و محضر بیگانگان بی‌نیاز می‌یابند. (هاشمی کاوندی، ۱۳۷۹، ص ۱۱۳)

مردان باید به نیاز زیباپسندانه زنان اهمیت بدهند و آن را سرکوب نکنند تا به صورت ناهنجاری روانی ظاهر نشود. اگر زنان برای برآوردن این نیاز فطری در محدوده خانواده آزاد باشند، خودآرایی به صورت منفی در جامعه گسترش نخواهد یافت. از نظر روانشناسی جنسی ثابت شده است که تحریک‌پذیری مرد در برابر محرک‌های بصری بسیار بیشتر از دیگر محرکات است. در صورتی که زن در برابر محرکات لمسی حساسیت بیشتری دارد. خصلت مرد، چشم‌چرانی و خصلت زن، خودآرایی است. تبرج از ویژگی‌های عاطفی هر زن است و کم‌تر اتفاق افتاده که مردان با لباس‌های بدن‌نما خارج شوند. (هاشمی کاوندی، ۱۳۷۹، ص ۲۲۲)

در دین اسلام، تأکید فراوانی بر آرایش زن برای مرد شده و این کار، وسیله‌ای برای برآوردن نیاز زن به خودآرایی است. یکی از راه‌های تعدیل و تحدید خودآرایی، گزینش پوشش مناسب است. تأکید فراوان ادیان الهی بر حجاب برای زنان، به علت وجود گزینه‌ها و نیازهای ویژه زنان است. اگر برای خصلت خودآرایی زنان که سبب عشوه‌گری می‌شود، حکم حجاب ارائه نشود، زنان با گزینه‌های کنترل نشده و نامتعادل و تحت تأثیر شرایط ویژه اجتماعی، بهداشت روانی را ویران می‌کنند، ولی با حجاب و پوشش مناسب، چارچوب مشخصی برای بهره‌مندی از این

ویژگی ذاتی، تعیین می‌شود که از پیدایش فساد اجتماعی و روانی جلوگیری می‌کند.

از نظر روانشناختی، نداشتن پوشش مناسب، جوانان را نسبت به زنان بی‌اعتماد می‌کند و رغبت و گرایش به ازدواج و تشکیل خانواده در آنها ایجاد نمی‌شود. از طرفی، حس انتقام جویی و کینه‌توزی مرد نسبت به مردان دیگری که بی‌شرمانه همسر یا خواهر او را نظاره می‌کنند، برانگیخته می‌شود و آسیب‌های روانی را به وجود می‌آورد. (معین‌الاسلام، و طیبی، ۱۳۸۰)

آسیب‌های روانی، اجتماعی و اقتصادی تبرج سبب نزول آیه «لَا تَبْرُجْنَ تَبْرُجُ الْمُجَاهِلِيَّةُ الْأُولَى...» (احزاب: ۳۳)، شد. رسول خدا ﷺ درباره کسانی که پوشیدن لباس زیبا را نشانه شخصیت می‌دانند و با پوشیدن آن، خود را از دیگران برتر احساس می‌کنند و انتظار دارند همه چشم‌ها دنبال آنها باشد و همه حسرت لباس آنان را بخورند و آنها را خوشبخت به شمار آورند، می‌فرماید: «مَنْ لَبَسَ ثَوْبًا بِيَاهِي بِهِ لَبِئَ الرَّأْسُ لَمْ يَنْظُرِ اللَّهُ إِلَيْهِ حَتَّى يَنْزِعَهُ؛ هرکس لباسی بپوشد که به وسیله آن بر مردم مباحثات و تفاخر کند، خداوند به او (به نظر رحمت) نمی‌نگرد تا اینکه لباس را از تن در بیاورد». (محمدی ری شهری، ۱۴۱۶ ه. ق، ۴۸۱/۸)

«مَنْ لَبَسَ ثِيَابَ شُهْرَةٍ فِي الدُّنْيَا أَلْبَسَهُ اللَّهُ لِبَاسَ الدَّلِّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ هرکس در دنیا لباس شهرت بپوشد (لباسی که با آن مشهور شود)، خداوند در روز قیامت، لباس خواری بر او می‌پوشاند». مجلسی دوم، ۱۴۱۰ ه. ق، ۳۱۴/۷۹. همچنین پیامبر خدا ﷺ نهی کرده است که لباس برای مباحثات بر مردم پوشیده شود.

۳-۴. آرایش برای غیرشوهر

همان‌گونه که گفته شد، در آموزه‌های دینی بر آرایش و زینت بسیار تأکید و به میل طبیعی زنان به خودآرایی و خودنمایی توجه شده است، ولی آنها را از اینکه برای غیر همسر خود زینت کنند، منع کرده‌اند. رسول خدا ﷺ در فرآزی از روایتی می‌فرماید: «إِنَّ مِنْ خَيْرِ نِسَائِكُمْ... الْمَتَبَرِّجَةَ مِنْ زَوْجِهَا الْحَصَانِ عَنْ غَيْرِهِ؛ بهترین زنان شما، زنی است که... برای شوهرش آرایش و خودنمایی کند، ولی خود را از نامحرمان بپوشاند» (مجلسی دوم، ۱۴۱۰ ه. ق، ۲۳۵/۱۰۳).

آن حضرت آرایش و زینت زن، برای شوهر را از حقوق شوهر بر همسر می‌شمرد و می‌فرماید: «عَلَيْهَا أَنْ تَطَيَّبَ بِأَطْيَبِ طَيْبِهَا وَ تَلْبَسَ أَحْسَنَ ثِيَابِهَا وَ تَتَزَيَّنَ بِأَحْسَنِ زِينَتِهَا؛ از جمله حقوق شوهر بر همسر این است که خود را به بهترین عطرها خوش بو کند و بهترین لباس هایش را بپوشد و خود را به بهترین صورت تزئین کند». (حرعاملی، ۱۴۰۹ ه. ق، ۱۱۲/۱۴)

در حدیث معروف مناهی نیز آمده است: «وَمَهْيَ أَنْ تَتَزَيَّنَ لِغَيْرِ زَوْجِهَا، فَإِنَّ فَعَلْتَ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يُحْرِقَهَا بِالنَّارِ؛ پیامبر از اینکه زن برای غیر شوهرش آرایش کند، نهی کرد. اگر زن چنین کند، بر

خداوند حق است که او را با آتش بسوزاند». (حرعاملی، ۱۴۰۹ هـ ق، ۱۴/۱۱۷)

۵. نتیجه

حس زیبایی دوستی، یکی از ابعاد فطری بشری است. بنابراین، زینت همواره مورد توجه انسان‌ها بوده است. اسلام مردان و زنان را به آراستگی، زیبایی، پاکیزگی و از طرفی به حفظ پوشش اسلامی و حجاب فرا می‌خواند. آرایش و زینت به خودی خود برای زن امری مباح، مطلوب و از ضروریات زندگی زناشویی است؛ هرچند اظهار و آشکار کردن آن در مقابل مردان، احکام مختلفی در شرع دارد و گاه جایز است و گاه ممنوع. اگر بیننده، مردی نامحرم باشد، حکم کلی قرآن در این فرض حرمت آشکار کردن زینت بر زن است؛ اما اگر از محارم باشد، آشکار ساختن زینت بر زن جایز است. بی‌توجهی به غریزه خودنمایی و تبرج برای زن زیان‌بخش است. خودنمایی و تبرج بیش از اندازه و خارج از چهارچوب حجاب نیز زیان‌بخش خواهد بود و سلامت روانی زن را به مخاطره می‌اندازد. در ارضای نیازهای روانی نیز باید جانب اعتدال رعایت شود؛ زیرا هرگونه زیاده‌روی در آن موجب از دست رفتن انرژی روانی انسان می‌شود.

فهرست منابع

* قرآن کریم

۲. عاملی (شهید اول)، محمدبن مکی (۱۴۱۰ هـ ق). *اللغة الدمشقية في فقه الإمامية*. بیروت: دارالتراث - الدار الإسلامية.
۳. احسان بخش، صادق (۱۳۶۶). *آثار الصادقین*. قم: دارالعلم.
۴. احمدزادی، طاهر (۲۰۱۱ م). *ترتیب القاموس المحيط*. قم: دارالفکر.
۵. اسماعیل بن عباد (۱۴۱۴ ق). *المحیط فی اللغة*. بیروت: عالم‌الکتب.
۶. بدران، عبدالقادر (۱۳۹۸ هـ ق). *تهذیب*. بیروت: دارالمیسره.
۷. جزایری، احمد (۱۳۹۱). *قلاند الدر فی بیان آیات الاحکام*. قم: نشر الفقاهه.
۸. حرعاملی (۱۴۰۹ ق). *وسائل الشیعة*. قم: مؤسسه آل‌البتیة.
۹. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). *لغت‌نامه دهخدا*. تهران: انتشارات دانشگاه.
۱۰. رضوی لکهنوی، محمدباقر (۱۳۴۷ هـ ق). *اسداء الرغاب فی مسالة الحجاب المطبوعة المباركة المرتضوية*. مشهد: بی‌نا.
۱۱. شمس‌الدین، محمد مهدی (بی‌تا). *حدود پوشش و نگاه در اسلام*. بی‌جا: الهدی.
۱۲. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۵ هـ ق). *مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: مؤسسه‌الأعلمی للمطبوعات.
۱۳. طریحی، فخرالدین (۱۴۱۶ هـ ق). *مجمع‌البحرین*. تهران: کتاب‌فروشی مرتضوی.
۱۴. العدنانی، الخطیب (۱۹۹۹ م). *الملابس والزینة فی الاسلام*. قم: مؤسسه‌الانتشار الاسلامی.
۱۵. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ هـ ق). *العین*. قم: نشر هجرت.
۱۶. الکلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۶۳). *الکافی*. بی‌جا: بی‌نا.
۱۷. مجلسی دوم. محمدباقر (۱۴۱۰ هـ ق). *بحار الأنوار*. بیروت: مؤسسه‌الطبع و النشر.
۱۸. محمدی ری‌شهری. محمد (۱۴۱۶ هـ ق). *میزان‌الحکمه*. قم: دار‌الحديث.
۱۹. مصطفوی، حسن (۱۳۶۸). *التحقیق فی کلمات القرآن‌الکریم*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۰. مطهری، مرتضی (۱۳۶۸). *مسئله حجاب*. تهران: شرکت سهامی انتشار.

۲۱. معین الاسلام، مریم، و طیبی، ناهید (۱۳۸۰). روانشناسی زن در نهج البلاغه. قم: عطر سعادت.
۲۲. المقرئ القیومی، احمد (بی تا). مصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی. قم: منشورات دارالرضی.
۲۳. هاشمی کاوندی، مجتبی (۱۳۷۹). مقدمه‌ای بر روانشناسی زن. قم: بی نا.
۲۴. الهی بلندشهری، محمدعاشق (۱۳۹۰). پرتوی از پیام پیامبر: خواجه عبدالله انصاری. تربت جام: بی نا.

حجاب و برخی شبهات پیرامون آن

صدیقه سادات رضوی^۱

چکیده

حجاب به معنای پوشش، از تکالیف واجب مسلمانان است و از اموری است که قابل پذیرش همه ادیان و مذاهب است. بر هر یک از زن و مرد مسلمان لازم است در تعاملات اجتماعی خود با پوشش شرعی ظاهر شوند تا در پرتو آن کیان خانواده و اجتماع مصون بماند. نوشتار حاضر در صدد بیان مسأله حجاب و شبهات وارد بر آن و پاسخ‌گویی به این سؤال است که ماهیت حجاب چیست و شبهات وارد بر آن کدامند؟ در بررسی این پرسش چنین حاصل شد که حجاب و پوشش موجب سلامتی و امنیت روانی خانواده و اجتماع می‌شود و مانع حضور زن در اجتماع یا سبب سرکوبی غرایز و نادیده گرفتن حقوق وی نیست.

واژگان کلیدی: حجاب، زینت، پوشش.

۱. مقدمه

حجاب یک امر فطری است و پیش از اسلام نیز وجود داشته است، اما با ظهور اسلام تکمیل شده است. در فرهنگ مسلمانان پوشش از مهم‌ترین اعتقادات آنان به شمار می‌رود که به‌عنوان یک دستور دینی بر مسلمانان واجب شده است و در آیات و روایات بسیاری بر آن تأکید شده است. داشتن حجاب و پوشیده بودن از نگاه دیگران نیاز به استدلال خاصی ندارد، ولی در محدوده این پوشش اختلاف نظر دیده می‌شود و ریشه این اختلاف، گاه در نوع نگرش اجتماعی است که جلوی ندای عفاف را می‌گیرد، و گاه در نفس سرکش انسان. از نظر اسلام حجاب ریشه در عفاف و عفاف نیز ریشه در حیای نهفته در ضمیر انسان دارد. ولی متأسفانه مخالفان حجاب زن، سعی کرده‌اند که جریانات ظالمانه و یا جاهلانه‌ای را علت پیدایش حجاب ذکر کنند تا به این نتیجه نزدیک شوند که حجاب عملی جاهلانه یا ظالمانه است. بعضی برای حجاب ریشه اجتماعی مانند میل به ریاضت و رهبانیت قائلند و بعضی، ریشه اقتصادی مانند پدرشاهی و تسلط مرد بر زن و استثمار نیروی زن در جهت منافع اقتصادی مرد؛ و برخی دیگر ریشه اخلاقی مانند حسادت و خودخواهی مردها را ذکر کرده‌اند. ولی واقعیت این است که ریشه این پدیده را باید در یک تدبیر ماهرانه غریزی خود زن جستجو کرد. عفاف، ستر، حیاء و پوشش تدبیری است که خود زن با یک

۱. دانش‌پژوه کارشناسی ارشد فقه خانواده، مؤسسه آموزش عالی بنت‌الهدی، از کشور هندوستان.

نوع الهام برای گران بها کردن خود و حفظ موقعیت خود در برابر مرد به کار برده است نه در میل به ریاضت و نه حسادت و خودخواهی مردانه و نه پدرشاهی.

از میان معانی مختلفی که زبان شناسان برای واژه حجاب برشمرده‌اند، می‌توان به دو معنای اصلی آن اشاره کرد که عبارتند از: مانع و حائل میان دو چیز؛ و سترو پوشش. (اصفهانی، ۱۴۲۴ ه. ق، ص ۲۱۹) در اصطلاح، معنای محدودتری برای «حجاب» بیان شده است و منظور از آن پوشش ویژه‌ای است که مانع از نگاه نامحرمان به او و یا مانع انگیزش تمایل جنسی مردان باشد. (مطهری، ۱۳۸۱، ۱۹/۴۳۰) به نظر می‌رسد هر دو معنای لغوی با یکدیگر مرتبط بوده و در واقع پوشش خود نوعی مانع و حائل است و معنای اصطلاحی حجاب نیز اخص از معنای لغوی آن است. خاستگاه معنای اصطلاحی حجاب برخی آیات و روایات است، مانند آیه ۳۱ از سوره مبارکه نور که در آن فرمان پوشش برای بانوان مؤمن صادر شده است:

قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ بَعْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا يَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ .

۲. گونه‌های حجاب بر اساس آیات حجاب

۲-۱. حجاب در پوشش

بر اساس آیات قرآن شیوه پوشش نباید موجب جلب توجه دیگران و یا برانگیخته شدن تمایلات شود، خداوند متعال می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأُزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً» (حزاب: ۵۹). دستور پوشش و فرو انداختن چادر یا روسری به زنان مؤمن شده است تا شناخته نشوند و مورد آزار قرار نگیرند.

۲-۲. حجاب گفتاری

زن مسلمان باید در گفتار خود با مردان نامحرم به شیوه‌ای سخن بگوید که موجب ایجاد طمع در قلب‌های بیمار نشود. چنانچه خداوند متعال در خطاب به زنان پیامبر ﷺ آنان را از سخن گفتن نرم با مردان نهی می‌کند: «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا» (احزاب: ۳۲).

۲-۳. حجاب رفتاری

«وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى» (احزاب: ۳۳)، طبق این آیه شریفه، خداوند متعال زنان را از داشتن رفتاری که موجب جلب توجه دیگران می‌شود، نهی کرده است.

مسئله مورد توجه در این پژوهش، پوششی است که معنای عامی دارد و در مورد بانوان مشمول پوشش بدن، آرایش و جواهرآلات می‌شود و از آن جا که هرسه آنها در مورد زنان زینت محسوب می‌شوند، زن مسلمان باید این سه را در معرض نمایش نامحرمان قرار ندهد. آیه شریفه «وَلَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» (نور: ۳۱)، بر آن دلالت دارد. از این رو لباس‌های نازک و بدن‌نما حتی اگر تمام بدن را بپوشاند، استفاده از وسایل آرایش در برابر مردان و نمایان کردن زیورآلات برای غیرمحرمان حتی با پوشش کامل، پوشیدن لباسی که در نزد نامحرم زیباتر جلوه کند، نیز پوشیدن لباس اندام‌نما و لباس‌های لخت را حتی برای مردها، جایز نمی‌داند و همه از مصادیق آشکار کردن زینت است و مخالف دستور حجاب است.

۳. قلمرو پوشش در اسلام

دین اسلام مقدار پوشش لازم را برای زن و مرد مشخص کرده است. اگرچه اصل مسئله پوشش بر اساس عفاف است، ولی مقدار و کیفیت آن تنها متکی به مسئله عفاف نیست؛ زیرا حکمت‌های دیگری چون مصونیت و حفظ جامعه از گناه و... در آن لحاظ شده است. مطابق نظر بسیاری از فقها، بر مردان پوشاندن سر، گردن، صورت و دست‌ها تا جایی که معمولاً نمی‌پوشانند لازم نیست (سایت رهبری، سؤالات متداول، واژه پوشش مردان) و زنان باید تمام بدن را بجز دست‌ها تا مچ و گردی صورت را از نامحرم بپوشانند (البته عده‌ای از فقها ستروجه و کفین را لازم می‌دانند و در این مسأله هر کس باید به مرجع تقلید خود رجوع کند). واضح است مقدار پوشش برای مردها در حد زنان نیست و این به دلیل اهمیتی است که به آنان داده شده است؛ چرا که خداوند زن را زینت معرفی کرده است، نه مرد. و زینت چون مورد توجه است نیاز به حراست دارد. بنابراین حجاب زنان یعنی حراست از زینت تا از گزند غارت‌گران محفوظ بماند و هم حراست جامعه از نگاه هوس‌آلود است؛ چرا که این نوع نگاه موجب هیجان شهوت و در نتیجه گناه و معصیت می‌شود. ویژگی عفاف در زنان قوی‌تر از مردان است تا رعایت عفاف بر زنان هموار باشد و از آسیب‌های بی‌حجابی (هم زن و هم جامعه) مصون باشند. گوهرگران بهایی چون زن وقتی در صندوق الهی حجاب قرار داشته باشد از دستبرد دزدان و غارت‌گران و آلودگان به لجن معصیت و گناه در امان خواهد بود. حجاب مصونیت و نشانه حیا و ارزشمندی است. در زمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله افرادی

در تاریکی مزاحم زنان می شدند، و جبرائیل امین علیه السلام آیات ۵۹ سوره احزاب را بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل کرد و فرمود:

ای نبی به زنان و دختران و زن های با ایمان بگو خود را با جلباب بپوشانند (پارچه ای که سراسر بدن را می پوشاند) که این امر باعث می شود که نامحرم مزاحم آنان نشوند؛ زیرا آنان با حجاب به آزاد بودن و یا به تقوا و صلاح شناخته می شوند. بنابراین، مورد اذیت قرار نمی گیرند.

۳-۱. مسئله شرعی درباره وجه و کفین

در عموم رساله های عملیه در مورد مسئله پوشش آمده است که زن باید بدن و موی خود را از نامحرم بپوشاند، بلکه احتیاط واجب آن است که بدن و موی خود را از پسری هم که بالغ نشده، ولی خوب و بد را می فهمد و به حدی رسیده که مورد نظر شهوانی است، بپوشاند. در برخی رساله ها آمده است که پوشش وجه و کفین برای زن لازم نیست، اما این در صورتی است که صورت آرایش نداشته باشد. بنابراین، اگر دختری زنی ابروهای خود را بردارد، چون آرایش صدق می کند باید ابروها را از نامحرم بپوشاند و اگر در صورت او آرایش های دیگری باشد، لازم است صورت را از نامحرم بپوشاند. و نیز اگر صورت زن خالی از هر آرایشی است، ولی ببیند مرد نامحرمی به او خیره شده و با شهوت نگاه می کند، لازم است صورت خود را از او بپوشاند تا کمک در معصیت نباشد.

۴. اشکالات وارد شده بر حجاب

حجاب افزون بر اینکه ریشه در درون پاک آدمی دارد، یکی از دستورات پروردگار متعال است، اما حجاب مانند هر امر مقدس دیگری، مخالفینی دارد عمده اشکالات و شبهاتی که بر حجاب وارد کرده اند عبارتند از:

۴-۱. حجاب و اجبار در پوشش زن مخالف آزادی است و با آیه شریفه «لا اکراه فی الدین» (بقره: ۲۵۶) در تناقض است.

پاسخ: منظور از اکراه و اجبار در آیه فوق، در اصل اعتقاد به دین و قبول آن است؛ زیرا دین امر قلبی است و در امور اعتقادی نمی توان با اجبار عقیده ای را بر دیگری تحمیل کرد.

هر دینی دارای شرایع و احکامی است که انسان بعد از پذیرفتن اصل دین، باید پایبند به آنها باشد. اگر در دین هیچ مسئله اجباری و قانونی نباشد و انسان مختار به انجام هر کاری باشد؛ آمدن کتاب و احکام اسلامی بی معنا خواهد بود.

۲-۴. حجاب و رکود فعالیت

بعضی حجاب را مانعی در برابر فعالیت و پیشرفت می‌دانند، ولی بسیار واضح است که پوشاندن بدن از نامحرم هرگز نمی‌تواند مانعی برای فعالیت‌های مشروع زنان باشد، بلکه آنچه از آن نهی شده است، تبرج و خودنمایی و پوشیدن لباس‌های تنگ و رنگارنگ است. که بنابر آیات (ر.ک: احزاب: ۳۳) و احادیث، فقها تبرج را حرام شمرده‌اند. به این معنا که هرگونه عملی که زن به منظور خودنمایی، جلوه‌گری، جلب توجه مردان بیگانه و تأثیر در دل آنان انجام دهد، مصداق تبرج نهی شده قرآنی است؛ هرچند که نمونه‌ها و مصادیق آن غالباً به تناسب عادات و فرهنگ دست خوش تغییر است. (مصطفوی، ۱۳۶۸، ذیل «برج»)

اگر حفظ حجاب بر زن امر سخت بود و مانع از فعالیت‌های او می‌شد، خداوند متعال او را امر به حجاب نمی‌کرد؛ چراکه «لایکلف الله نفساً الاوسعها» (بقره: ۲۸۶). انسان هیچ‌گاه مأمور به انجام تکلیفی نمی‌شود که قادر به انجام آن نباشد. ضمن اینکه ارزش حفظ عفت و نجابت و رضای خدا خیلی برتر از زحمت ناچیز رعایت پوشش است و هرآنچه که سودش بر زحمتش غالب باشد عقلائی است. و نیز اسلام با خودنمایی و زینت کردن زن مخالف نیست، اما در محدوده خانواده و صرفاً جهت همسر.

۳-۴. حجاب و افزایش التهاب‌ها

از جمله شبهاتی که به حجاب وارد کرده‌اند این است که حجاب و پوشش باعث افزایش کنجکاوی و جذب مردان می‌شود. انسان به چیزی حرص می‌ورزد که هم از آن ممنوع شود و هم به سوی آن تحریک شود؛ به اصطلاح تمنای چیزی را در وجود شخصی بیدار کنند و آن‌گاه او را ممنوع سازند. اما اگر امری اصلاً عرضه نشود یا کم‌تر عرضه شود، حرص و ولع هم نسبت بدان کم‌تر خواهد بود. اسلام نمی‌خواهد کشش بین زن و مرد از بین برود، بلکه این کشش باید باشد، اما به صورت تعدیل شده، کنترل شده و قاعده‌مند، نه رها. حفظ کشش و جذابیت همراه با حریم از کارایی‌های مهم حجاب است.

۴-۴. بی‌حجابی و عادی شدن آن

بعضی گفته‌اند که اگر زن‌ها حجاب نداشته باشند بعد از مدتی بی‌حجابی عادی می‌شود، مانند کشورهای غربی. بنابراین، نگاه مردها هم عادی و بدون قصد ریبه می‌شود. در جواب باید گفت که آنچه خداوند به آن دستور داده است پوشش در برابر نامحرم است و آنچه از آن نهی کرده است نگاه به نامحرم است. رعایت نکردن این امر و نهی، نافرمانی و

مصدق گناه است و عقوبت را به دنبال خواهد داشت چه بی‌حجابی و نگاه به نامحرم، عادی شود چه نشود.

همچنین چگونه می‌توان تضمین کرد که با رواج بی‌حجابی قوه شهوانی کنترل می‌شود؛ زیرا قوه شهوانی از قوایی است که سیرشدنی نیست و اگر چنین بود می‌بایست تجاوز و بی‌عفتی در کشورهای بی‌حجاب دیده نشود در حالی که چنین نیست.

منظور از اینکه نگاه عادی می‌شود، چیست؟ ممکن نیست که مرد از دیدن زنی با بدن نیمه‌برهنه لذت نبرد، چون غریزه شهوت همیشه همراه انسان است. دستورات اسلام بیشتر جنبه پیشگیری از گناه دارد. بنابراین، به زن‌ها دستور پوشش و به مرد‌ها دستور نگاه نکردن را می‌دهد. کسی که نگاه نمی‌کند دچار مرض‌های روحی بعدی نمی‌شود.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

جوانی از انصار زنی را در مدینه دید و مبهوت او شد. دنبال او حرکت کرد و از قضا استخوان یا شیشه‌ای از دیوار بیرون زده بود صورت او را دید و او متوجه نشد. آن جوان نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و جریان را تعریف کرد. جبرئیل علیه السلام نازل شد و دستور نگاه نکردن به نامحرم صادر شد که این امر باعث پاکیزگی روح و جسم آنان خواهد بود. (حرعاملی، ۱۴۰۶، ۱۹۲/۲۰)

۴-۵. حجاب و سرکوب‌گرایی

بعضی از روانشناسان سرکوب‌گرایی شهوانی را باعث بعضی از اختلالات روانی و روحی می‌دانند و حجاب را نوعی سرکوب‌گرایی دانسته‌اند. در پاسخ می‌توان گفت که اولاً کنترل‌گرایی شهوانی لازم است و گرنه به بی‌بندوباری می‌انجامد و نام این کنترل است نه سرکوب. ثانیاً نظریه تولید بیماری‌های روانی به دلیل سرکوب سائق‌ها در دوران کودکی از سوی فروید مطرح شده است که این نظریه به شدت مورد انکار روانشناسان معتبر قرار گرفته است. فروید مفاهیمی را درباره مراحل رشد انسان، ذهن بشرو درمان تعریف کرد، ولی این مفاهیم اثبات نشده باقی مانده است. دکتر شیلینگ بیان می‌کند که فروید بیسم هنوز به اندازه کافی از طریق شواهد تجربی عینی حمایت نشده است. البته هنوز آزمایش نشده باقی مانده، نه ثابت شده است نه مردود. (شیلینگ، ۱۳۸۸، ص ۷۵)

مبانی روانشناسی فرویدی نیز توسط آدلرد شد. همچنین به نظر جرالد اس بلوم، بسیاری از گفته‌های اولیه فروید امروزه از ارزش افتاده‌اند. (بلوم، ۱۳۶۳، ص ۴۹) حتی نو فرویدیان که به نحوی متکی بر مکتب فروید هستند در صحت نظریات فروید تشکیک کرده و آنها را تصحیح یا

تکمیل کرده‌اند. فروید اساس بیماری‌های روانی را تمایلات جنسی و آرزوهای ناهوشیار سرکوب شده می‌داند و این عقیده‌ای بود که در همان زمان مورد انکار شدید و جدی آدلر قرار گرفت. آدلر معتقد بود که انسان‌ها بیشتر تحت تأثیر تفسیرشان از واقعیات هستند تا خود واقعیات در حالی که فروید روان‌رنجوری را ثمره خود واقعیات می‌دانست.

ثالثاً حتی اگر سرکوب‌گرایی با مشکلاتی برای فرد همراه باشد، ولی برداشتن قيود اجتماعی مشکل را حل نمی‌کند، بلکه بر آن می‌افزاید. تجربه و آمار نشان می‌دهد اختلالات روحی و روانی مانند افسردگی در افراد بی‌بندوبار در جوامع بی‌قید غربی بسیار بیشتر از جوامع مذهبی است.

۴-۶. حجاب و تساوی حقوق

برخی چنین اشکال وارد کرده‌اند که حجاب زنان نوعی تبعیض است و مخالف تساوی حقوق زن با مرد است، در پاسخ باید گفت که اولاً حجاب مختص زنان نیست بلکه برای مردها نیز حجاب وجود دارد. ثانیاً زنان و مردان در کنار برخی شباهت‌ها، دارای تفاوت‌های چشم‌گیر و غیرقابل انکاری هستند و هر کدام به تناسب وظایفی که دارند، دارای حقوقی هستند. چگونه ممکن است با وجود تفاوت‌ها، دارای حقوق یکسان باشند؟ قوانین اسلام در پوشش و حجاب زن و مرد مبتنی بر همین تفاوت‌ها است، اگرچه مقدار حجاب زن از مرد بیشتر است، ولی این به نفع خود زن است و این تبعیض‌ها مطابق حکم خرد و برای مصونیت زنان است.

۴-۷. دل باید پاک باشد و ایمان و دین‌داری فقط به رعایت حجاب نیست

این سخن بی‌معنا و بی‌محتوا است و برای فرار از تکلیف به آن چنگ زده می‌شود. پیامبران و امامان معصوم علیهم‌السلام که ما را به راه راست هدایت می‌کردند، پاک‌ترین دل‌ها را داشته‌اند و آنها بیش از همه و پیش از همه اهل عمل بودند. دل انسان پاک به دنبال انجام فرامین الهی است. از جمله این فرامین، وجوب حجاب در برابر نامحرمان است و می‌دانیم اعتقادات و ایمان در عمل و کردار باید ظاهر شود. علامت و نشانه دل پاک در گرو ایمان و عمل و تقید به فرایض دینی است. چگونه ممکن است ادعا شود دلی که نسبت به امر خدا بی‌اهمیت است، پاک باشد.

۵. رابطه بی‌حجابی با حیا

بی‌شک کسی که بدن خود را با لباس تنگ، نمایش می‌دهد یا حیا ندارد و یا اگر حیا دارد با این عمل به تدریج حیای او ضعیف خواهد شد. تضعیف حیا یا از دست دادن حیا باعث بر باد رفتن عقاید و تزلزل ایمان می‌شود، که نتیجه آن کندی در انجام فرایض مانند نماز خواهد بود.

در روایات بیان شده است که حیا چسبیده به ایمان است به طوری که اگر حیا برود، ایمان نیز می‌رود. (حرعاملی، ۱۴۰۶، ۱۶۶/۱۲) بنابراین، بی‌حجابی زمینه‌ای را برای تضعیف حیا و تضعیف حیا باعث تضعیف ایمان و دوری از بقیه فرامین حضرت حق خواهد بود.

۶. بی‌حجابی دوری از فرصت‌های معنوی

اثر اساسی و مشترک همه گناهان تاریکی قلب و روح است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «وقتی شخصی گناه می‌کند بر روی قلبش نقطه تاریکی ایجاد می‌شود» (حرعاملی، ۱۴۰۶، ۱۵/۳۰۳؛ مجلسی، ۵۱۴۰۴، ق. ۳۳۲/۷۰)، و اگر تکرار کند این تاریکی بیشتر می‌شود و شاید به حدی برسد که تمام قلب را تاریک کند. انسانی که روح و روانش تاریک شده از عبادت خداوند چندان لذت نمی‌برد و در نتیجه یا از روی عادت عبادت می‌کند و یا در نهایت عبادت را ترک می‌کند. بنابراین، هر گناهی علاوه بر اینکه گناه و باعث عذاب است، زمینه گناهان بعدی و دور شدن از معنویت را ایجاد می‌کند. حجاب بر اساس قرآن کریم امری واجب است که خداوند متعال به آن دستور داده است. بی‌حجابی گناه و معصیت است و باعث خرابی قلب و تاریکی روح می‌شود و این تاریکی، فرصت‌های معنوی را از او می‌گیرد. با برخورد با افراد بی‌حجاب به این حقیقت می‌رسیم که اکثر آنها تربیت دینی نشده‌اند یا در خانواده‌ای بوده‌اند که پایبند مسائل شرعی نبوده‌اند و یا پدر و مادرشان اعتقاد راسخی به حجاب نداشته و این جریان برایشان مهم نبوده است. چنین مربیانی در روز قیامت مورد مؤاخذه قرار می‌گیرند و چنین مربیانی موقعیت‌های معنوی فراوانی را نه تنها از خود بلکه از فرزندانشان دریغ می‌کنند.

در واقع افرادی که حجاب را رعایت نمی‌کنند چیزهایی را به دست می‌آورند و از آن لذت می‌برند، مانند احساس زیبایی، خودنمایی، جلب توجه دیگران و مطرح بودن و... اما برخی از چیزهایی که از دست می‌دهند عبارتند از:

الف) خشنودی خداوند و معصومین علیهم السلام: راه کسب خشنودی خداوند عمل به دستورات اوست که یکی از این دستورات حفظ حجاب است. هرکس که خدا از او راضی باشد، اهل بیت علیهم السلام نیز از او راضی خواهند بود؛ چراکه قلب معصومین علیهم السلام محل خواست خداوند است و آنچه خدا بخواهد در قلبشان نقش می‌بندد (نوری، ۵۱۴۰۸، ق. ۴۴۱/۱) و طبق آیه شریفه «وَرِضْوَانٍ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ» (توبه: ۷۲)، مقام رضایت خداوند از بهشت هم بالاتر است.

ب) نورانیت: هر عمل خوب موجب نورانیت انسان می‌شود. (مجلسی، ۱۴۰۴، ۲/۲۴۳)

ج) حیا: حیا همواره با ایمان هم جوار است به طوری که اگر حیا برود ایمان نیز می‌رود.

(حرعاملی، ۱۴۰۶ ه. ق، ۱۲ / ۱۶۶)

د) آبرو: زنان و مردان از لحاظ پوشش باید به‌گونه‌ای باشند که باعث برانگیخته شدن گمان‌های بد نشوند. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «کسی که خود را در موضع تهمت قرار دهد، حق ملامت کسانی را که به او بدگمان می‌شوند، ندارد» (نوری، ۱۴۰۸ ه. ق، ۸ / ۳۴).

ه) سعادت اخروی: پیروی از دستورات خداوند متعال باعث سعادت اخروی می‌شود که پایدار و همیشگی است «والآخرة خیر وأبقى» (اعلی: ۱۷). نتیجه بی‌حجابی، سرپیچی از دستور خدا است و عقوبت اخروی را به دنبال دارد. امام علی علیه السلام فرمودند: «خبری در لذتی که بعدش آتش است، نیست» (مجلسی، ۱۴۰۴ ه. ق، ۱۰۰ / ۹۴)

۷. نتیجه‌گیری

حجاب به معنای پوشش مناسب بدن، جواهرآلات و پوشاندن آرایش است و شبهات وارد شده به آن قابل پاسخگویی است؛ زیرا حجاب نه تنها مانع پیشرفت و فعالیت نمی‌شود، بلکه از آلودگی محیط کار جلوگیری کرده و راندمان کاری را افزون می‌بخشد. همچنین پوشش موجب تضییع حقوق زن نمی‌شود، زن نیز مانند مرد حقوقی دارد (اگرچه حقوقشان متفاوت است) که مراعات کردن آنها بر دیگران لازم است و هیچ منافاتی با حجاب او ندارد. در واقع مرد نیز مانند زن باید پوشش مناسب داشته باشد و با هر پوششی نمی‌تواند در اجتماع ظاهر شود و اینکه محدوده پوشش برای زن بیش از مرد است به دلیل محافظت و مصونیتی است که خالق او برایش در نظر گرفته است و مانعی برای رسیدن او به حقوقش نمی‌باشد.

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. اصفهانی، راغب (۱۴۲۴ ه. ق). المفردات. لبنان: دارالعلم.
۲. بلوم، جرال. اس (۱۳۶۳). نظریه‌های روانکاوی شخصیت. مترجم: حق نویس، هوشنگ. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۳. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۷ ه. ق). صحاح اللغة. بیروت: دارالعلم للملایین.
۴. حرعاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۶ ه. ق). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام.
۵. شیلینگ، لوئیس (۱۳۸۸). نظریه‌های مشاوره. مترجم: آرین، خدیجه. تهران: انتشارات اطلاعات.
۶. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ ه. ق). تفسیرالمیزان. بیروت: مؤسسه الوفاء.
۷. مصطفوی، حسن (۱۳۶۸). التحقيق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۸. مطهری، مرتضی (۱۳۸۱). مجموعه آثار. تهران: انتشارات صدرا.
۹. نوری. میرزا حسین (۱۴۰۸ ه. ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. بیروت: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام لإحياء التراث.

احکام ثانویه آرایش و زینت در فقه امامیه

حنا محمود دایا^۱

چکیده

همه انسان‌ها به‌طور فطری دوست‌دار زیبایی هستند. با توجه به مبتلابه بودن مسأله زینت و آرایش، بحث فقهی در این رابطه از اهمیت زیادی برخوردار است و تبیین جایگاه آرایش و زینت در فقه امامیه و احکام آن لازم است. این پژوهش به بیان احکام ثانویه آرایش و زینت و بررسی مصادیق جدید در این زمینه پرداخته است. با بررسی‌های لازم این نتیجه حاصل شد که عناوین متعددی می‌تواند بر آرایش و زینت بیاید و موجب مترتب شدن حکم ثانوی شود، از جمله ضرر، مفسده، اسراف و فریب. حکم مصادیق جدید را می‌توان با توجه به احکام اولیه و ثانویه آرایش و زینت که مطرح شد، استخراج نمود.

واژگان کلیدی: آرایش، زینت، حلیه، فقه امامیه.

۱. مقدمه

یکی از مهم‌ترین مسائل زندگی انسان‌ها، که از رایج‌ترین مسائل زندگی بشری نیز هست و از هزاران سال پیش مورد توجه انسان‌ها بوده، مسأله آرایش و زینت است. هدف پژوهش حاضر، ارائه بحثی مفید و قابل استفاده برای همگان، به‌ویژه برای قشر محققان و مبلغان است که در آن احکام آرایش و زینت به‌صورت منظم و منسجم بررسی شده است و علاوه بر آن، مصادیق جدید عصر حاضر مورد توجه قرار گرفته است.

برخی احکام آرایش و زینت مشترک بین مردان و زنان و برخی احکام اختصاص به مردان داشته و بعضی احکام ویژه زنان است. احکام مشترک آرایش و زینت عبارتند از: اباحه، که اصل در آرایش و زینت است؛ حرمت آن در حال احرام و حرمت پوشیدن لباس‌ها و زینت‌های جنس مخالف و تشبه به کفار؛ استحباب، که در همه حالات است، به‌ویژه در نماز، برای همسر و برای دیدار با مؤمنان؛ و کراهت پوشیدن لباس یا انگشتری که نقش صورت دارد در نماز.

احکام ویژه مردان شامل حرمت پوشیدن ابریشم و طلا است. و احکام ویژه زنان عبارت‌اند از: وجوب آراستگی برای شوهر در صورت تقاضای او؛ حرمت آراستگی در عده وفات و حرمت اظهار آرایش و زینت در مقابل نامحرم؛ و استحباب آرایش زن برای شوهر در طلاق رجعی. احکام ثانویه آرایش و زینت که به آن پرداخته شده شامل موارد متعددی است از جمله: ضرر، اسراف و فریب.

۱. دانش‌پژوه کارشناسی ارشد اصول و فقه اسلامی، مؤسسه آموزش عالی بنت‌الهدی، از کشور تانزانیا.

آرایش در لغت، اسم مصدر آراستن است و در اصل، زینت به افزایش است در مقابل پیراستن. (معین، ۱۳۸۶، ۳۱/۱) (همچنین به معنی «زیور، جمال، زین، زبرج، حلیه...» نیز آمده است). دهخدا، ۱۳۷۲، ۶۲/۱) (آرایش در اصطلاح فقها به همان معنای لغوی آن به کار می‌رود و معنای متفاوتی ندارد. (جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۶ ه.ق، ۱/۱۱۳)

واژه «زینت» در لغت از ماده «زین» می‌آید که مقابل زشتی است. (فراهیدی، ۱۴۱۰ ه.ق، ۳۸۷/۷) این کلمه و مشتقات آن در قرآن کریم نیز به کار برده شده است. برای مثال در سوره اعراف آیه ۳۲ آمده است: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ؛ بَلْ كَرِهَ اللَّهُ لِعَذَابِهِ الَّذِينَ هُمْ أَغْرَبُوا أَنْ يُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ مِمَّا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ زِينَةَ الْفُلُكِ وَالزُّبُرِ وَالْجَارِ الْمُتَشَابِهِ وَالْأَسْنَنِ وَالْأَسْفَلَ وَالسَّجْمَانَ أُولَئِكَ الَّذِينَ يَخْتَفُونَ الْأَسْنَافَ لِئَلَّا يُرَوَّعُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَكَبِّرُونَ» (سوره اعراف، ۱۴۱/۱-۱۴۱/۱۰). بندگان خود آفریده حرام کرده است؟».

همچنین در سوره صافات آیه ۶ می‌خوانیم: «إِنَّا زَيْنًا السَّمَاءِ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ؛ مَا أَسْمَانُ دُنْيَا رَا بِزَيُورِ سِتَارِكَا أَرَا سْتِيْمُ». زینت در اصطلاح فقها به همان معنای لغوی آن است و تعریف متفاوتی برای آن داده نشده است.

حلیه در لغت واژه‌ای است که بر زیورآلات اطلاق می‌شود. در لسان‌العرب آمده است: «آنچه که از مواد معدنی یا سنگ ساخته شده و برای آراستگی استعمال می‌شود و جمع آن جلی و خلی است». (ابن منظور، ۱۴۱۴ ه.ق، ۱۴/۱۹۴-۱۹۵) حلیه در اصطلاح فقها به همان معنای لغوی آن است و تعریف متفاوتی برای آن داده نشده است.

۲. عناوین ثانوی

برخی موارد آرایش و زینت دارای عنوان ثانوی می‌شود و در نتیجه، یک حکم ثانوی بر آن مترتب می‌شود.

۲-۱. ضرر

یکی از عناوینی که ممکن است بر موضوع آرایش و زینت وارد شود و موجب حرمت آن شود، عنوان ضرر است؛ زیرا مشهور فقها می‌فرمایند که ضرر رساندن به خود حرام است. بلکه صاحب ریاض بر آن ادعای اجماع کرده است. «پس هرگاه آرایش و زینت ضرر مهمی در برداشت، حرام خواهد بود». (طباطبایی حائری، ۱۴۱۸ ه.ق، ۱۳/۴۳۷)

شیخ انصاری می‌فرماید: «پس هر ضرر رساندنی به خود یا دیگری حرام است» (انصاری دزفولی، بی‌تا، ۵۳۵/۲) پس ضرر رساندن به خود جایز نیست، بلکه دفع ضرر از خود نیز واجب است. و در مسأله آرایش و زینت نیز این بحث کاربرد زیادی دارد چون در مصادیق متعددی از آن ضرر وجود دارد.

پس طبق فرموده فقها، در مواردی که آرایش و زینت موجب ضرر قابل توجهی می‌شود، حرام خواهد بود. آیت‌الله خویی، (۱۴۱۸.ق) گفته است: «ضرر قابل توجه عبارت است از: امری که وقوع آن، قابل چشم‌پوشی نیست، مانند هلاکت نفس یا بیماری که منجر به هلاکت نفس شود» (موسوی خویی، ۱۴۱۸.ق، ۲/۴۴۶).

برای مثال، در مورد خال کوبی، که مستلزم ضرر است، از آیت‌الله مکارم شیرازی سؤال شد:

خال کوبی چه حکمی دارد و آیا برای غسل و وضو مشکلی ایجاد می‌کند؟

پاسخ ایشان چنین بود: «هرگاه ضرر خاصی برای بدن نداشته باشد و عکس‌های موجب فساد اخلاق در آن نباشد جایز است و در هر حال برای وضو و غسل مشکلی ایجاد نمی‌کند. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸، ۱/۳۶) ادله اربعه (قرآن، سنت، عقل و اجماع) همه بر حرمت اضرار به نفس دلالت دارند یا حداقل آن را تأیید می‌کنند:

الف) قرآن: آیات متعددی در این مورد وجود دارد، از جمله آیاتی که بر جواز خوردن میت‌ه برای مضطر دلالت دارند، مثل آیه ۱۷۳ سوره بقره؛ چون مؤید آن است که دفع ضرر از نفس لازم است. و البته اگر دفع ضرر واجب باشد به طریقه اولی رساندن ضرر به خود حرام خواهد بود.

ب) سنت: روایات بسیاری بر حرمت اضرار به نفس دلالت دارند. از جمله روایت مشهور «لا ضرر ولا ضرار» (کلینی، ۱۴۲۹.ق، ۵/۲۹۳) ضرر و زیان جایز نیست. ملاک حرمت، اگر رسیدن ضرر به بدن و آسیب آن باشد، پس در مواردی که آرایش و زینت هم مستلزم ضرر باشند موجب حرام خواهد بود.

ج) عقل: به دو صورت می‌توان حرمت اضرار به نفس را از طریق عقلی استنباط کرد. نخست، چون ضرر رساندن نوعی ظلم است و ظلم قبیح است، پس ضرر رساندن به خود، عقلاً و شرعاً حرام خواهد بود؛ زیرا هرچه عقل به آن حکم کند، شرع نیز به آن حکم می‌کند. ثانیاً، عقل به صورت مستقل به لزوم دفع ضرر از نفس حکم می‌کند. پس تحمل ضرر هم عقلاً و شرعاً ممنوع خواهد بود.

د) اجماع: بر حرمت اضرار به نفس ادعای اجماع شده است. اگرچه این قول بعید نباشد، اما این اجماع مدرکی است با توجه به ادله نقلی و عقلی به عنوان دلیل حساب نمی‌شود، ولی در عین حال مؤید خوبی بر این حکم است؛ زیرا حداقل از شهرت عظیم و بی‌نظیری خبر می‌کند که موجب می‌شود فقیه نتواند به آسانی از آن بگذرد. نتیجه اینکه از این ادله استفاده می‌شود که ضرر رساندن به خود حرام است و هر چیزی که ضرری باشد، از جمله آرایش و زینت، حرام خواهد بود.

۲-۲. مفسده

یکی از عناوینی که ممکن است بر آرایش و زینتی که مباح است وارد شود و موجب حرمت آن بشود، عنوان مفسده است. مفسده در لغت به معنای خلاف مصلحت است و وقتی می‌گویند: «این امر مفسده است برای فلان چیز، یعنی اینکه در آن فساد و تباهی است». (۵۱۴۱۴، ق، ابن‌منظور، ۳/۳۳۵)

وجود مفسده در چیزی، به نظر فقها و اصولیون، موجب ترتب حکم حرمت یا حداقل کراهت بر آن می‌شود، بسته به درجه شدت مفسده دارد و مسائلی مانند آرایش و زینت که در اصل مباح است، اگر موجب مفسده و گناه شود، به نظر فقها این مسائل دارای اشکال خواهند بود. وجود مفسده شامل اسراف و ضرر نیز می‌شود.

از آیت‌الله تبریزی در مورد پوشیدن کفش صدا دار برای خانم‌ها در معرض نامحرمان سؤال شد. ایشان فرمودند: اگر مفسده‌ای بر آن مترتب شود، جایز نیست. (تبریزی، بی‌تا، ۴۱۹/۵) و ظاهراً منظور از مفسده این‌جا تحریک شهوت و مانند آن است.

از آیت‌الله مکارم شیرازی سؤال شد که پوشیدن لباس‌های مبتذل، یا لباس‌های تنگ و مهیج، یا مدل‌هایی که موجب ترویج فرهنگ غرب است، به‌ویژه برای زنان، چه حکمی دارد؟ ایشان پاسخ دادند: «این‌گونه لباس‌ها اشکال دارد و بر پسران و دختران و مردان و زنان مسلمان لازم است رعایت موازین عفت اسلامی را، که مایه سعادت دنیا و آخرت آنها است، بنمایند». (مکارم شیرازی، ۵۱۴۲۸، ق، ص ۱۸۳)

از آیت‌الله خامنه‌ای سؤال شد: پوشیدن کروات چه حکمی دارد؟ ایشان پاسخ دادند: «به‌طور کلی پوشیدن کروات و دیگر لباس‌هایی که پوشش و لباس غیرمسلمانان محسوب می‌شوند به‌طوری که پوشیدن آنها منجر به ترویج فرهنگ منحط غربی شود جایز نیست». (خامنه‌ای، ۵۱۴۲۴، ق، ص ۳۰۷)

از آیت‌الله بهجت سؤال شد که پوشیدن پیراهن آستین کوتاه برای مردان در جامعه، بدون قصد شهوانی و برای زیبایی بیشتر یا به‌علت گرمای هوا چه حکمی دارد؟ پاسخ: «در مواردی که معرضیت برای مفسده دارد، اشکال دارد». (بهجت فومنی گیلانی، ۵۱۴۲۸، ق، ۴/۱۸۴) و این نوع فتاوا زیاد است که فقها، آرایش و نوع پوشش و غیره را به‌دلیل اینکه موجب مفسده است دارای اشکال می‌دانند.

مستندات: همچنان که در کتب اصولی مطرح شده است، احکام شرعی بر اساس مصلحت و مفسده جعل شده‌اند، یعنی احکام تابع مصالح و مفاسد هستند و فعلی که دارای مصلحت زیاد

باشد واجب و فعلی که دارای مفسده زیاد باشد حرام خواهد بود. (صدر، ۱۴۳۱ ه. ق، ص ۱۰)

این مسأله در همه زمینه‌ها وجود دارد، از جمله در بحث آرایش و زینت که اگر آرایشی که در اصل مباح و جایز بوده دارای مفسده شدید شود، ملاک حرمت در آن موجود شده و حکم حرمت بر آن بار می‌شود. از جمله مفاسده‌ای که ممکن است آرایش و زینت داشته باشد تحریک شهوت غیرمشروع و ترویج فرهنگ کفار است.

۲-۳. اسراف

اسراف در لغت به معنای تجاوز کردن از حد اعتدال و راه درست است (ابن منظور، ۱۴۱۴ ه. ق، ۱۴۸/۹) و در اصطلاح فقها نیز به معنای تجاوز کردن و خارج شدن از حد اعتدال از نظر شرعی و عقلایی در مال و افعال است. از بارزترین مصادیق آن مصرف مال در موارد حرام و زیاده‌روی در مصرف به طوری که عبت و خالی از غرض عقلایی شمرده شود و شامل مصرف کردن بیش از شأن شخص نیز می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ ه. ق، ۱/۵۳۴)

فقها می‌فرمایند که اسراف حرام است و از گناهان کبیره است. (وحدید خراسانی، ۱۴۲۸ ه. ق، ص ۴۰۱؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۲ ه. ق، ص ۲۹) پس اموری مثل مهمانی دادن، غذا خوردن، خرید، پوشش، آرایش، زینت و... اگرچه فی نفسه حرام نباشد، ولی در صورتی که در آن زیاده‌روی شود به حدی که عقلاً آن را خارج از حد اعتدال و عبت حساب کنند اسراف خواهد بود و انجام آن حرام. این در حالی است که حکم اولی این امور ممکن است جواز، استحباب و یا حتی وجوب بوده باشد، اما با وارد شدن عنوان ثانوی اسراف، حکم ثانوی حرمت بر آنها مترتب می‌شود و این مسئله در بحث آرایش و زینت خیلی کاربرد دارد، به ویژه برای زنان. چون زنان به طور ذاتی علاقمند به آرایش هستند و این جزئی از زندگی آنهاست.

آیت الله العظمی مکارم شیرازی در رابطه با زینت کردن زن با طلا و ابریشم می‌فرماید: «زینت جزئی از زندگانی زنان است. به همین دلیل اسلام اجازه استفاده از زینت حتی طلا و لباس ابریشمی (در حدّ معقول و دور از اسراف) را به آنها داده است». (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸ ه. ق، ص ۱۰۶)

و در مورد پوشیدن لباس طلا باف، با توجه به اینکه ممکن است پوشیدن آن به نظر بسیاری از افراد زیاده‌روی و خروج از حد اعتدال شمرده شود، می‌فرمایند: «نماز خواندن با لباس طلا بافت برای مردان جایز نیست و نماز را باطل می‌کند، ولی برای زنان، در صورتی که اسراف نباشد، اشکالی ندارد». (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸ ه. ق، ص ۱۰۵) خرید لوازم آرایشی با وجود لوازم آرایشی نزد شخص و عدم نیاز او به خرید لوازم جدید می‌تواند از دیگر مصادیق اسراف در آرایش و زینت باشد.

مستندات: دلایل حرمت اسراف عبارت‌اند از اجماع قطعی، بلکه حرمت آن از ضروریات دین است (نراقی، ۱۴۱۷ ه. ق، ص ۶۱۵). همچنین آیات و روایات متعدد:

الف) آیه ۳۱ سوره أعراف: «کلوا واشربوا ولا تسرفوا إنه لا یحب المسرفین؛ بخورید و بیاشامید ولی اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست نمی‌دارد». در این آیه خداوند از اسراف نهی می‌کند و لام نهی در «لا تسرفوا» ظاهر در حرمت است. پس این آیه بر حرمت اسراف دلالت دارد.

آیه ۴۳ سوره غافر: «وأن المسرفین هم اصحاب النار؛ و مسرفان اهل آتش‌اند». از این آیه می‌توان فهمید که اسراف از گناهان کبیره است چون بر آن وعده آتش داده شده است و به نظر بعضی از فقها، گناهی که وعده آتش بر آن داده شده باشد، کبیره است. (سبزواری، ۱۴۱۳ ه. ق، ۱۶/۱۲۳)

روایت عامربن جذاعة از امام صادق علیه السلام که به مردی فرمودند:

اتق الله ولا تسرف ولا تقت، ولكن بین ذلک قواما، إن التبذیر من الإسراف، قال الله تعالی:
«وَلَا تُبْذِرْ تَبْذِيرًا».

تقوای الهی پیشه کن، اسراف نکن و بر خود هم سخت مگیر و میانه‌روی مایه استواری است، تبذیر همان اسراف است که خداوند درباره آن فرموده: «تبذیر و زیاده‌روی نکن» (اسراء: ۲۹). (کلینی، ۱۴۲۹ ه. ق، ۳/۵۰۱)

پس در حرمت اسراف شکی نیست و هر چیزی که در آن از نظر شرعی و عقلایی زیاده‌روی شود، از جمله آرایش و زینت، حرام خواهد بود.

۲-۴. فریب

آرایش زن به منظور فریب دادن خواستگار حرام است، این حکم بدون اختلاف بین فقها است (انصاری دزفولی، بی تا، ۱/۱۶۵) و محقق اردبیلی حتی ادعای اجماع هم بر آن کرده است (اردبیلی، ۱۴۰۳ ه. ق، ۸/۸۴).

فریب دادن در این جا به معنای آشکار کردن زیبایی‌ها و محاسنی است که در زن وجود ندارد، مانند اینکه گونه‌هایش را به رنگ قرمزی در بیاورد. عاملی (شهید ثانی)، (۱۴۱۰ ه. ق، ۳/۲۱۶) و در حرمت فرقی نمی‌کند که زن خودش این کار را انجام دهد یا توسط آرایشگری انجام شود. (انصاری دزفولی، بی تا، ۱/۱۶۵)

به نظر شیخ انصاری، اگر خواستگار بداند که این زیبایی، ذاتی این زن نیست، باز هم فریب حساب می‌شود در صورتی که به خاطر آن زینت به ازدواج با این زن مایل تر شود. (انصاری دزفولی، بی تا، ص ۱۷۰)

مستندات: دلیل حرمت آرایش در صورت فریب عبارت است از:

(الف) اجماع (اردبیلی، ۱۴۰۳ ه. ق، ۸/۸۴)

اینکه آرایش در این جا دارای عنوان ثانوی «غش» و فریب شده است (بحرانی، ۱۴۰۵ ه. ق، ۱۸/۱۹۴؛ اردبیلی، ۱۴۰۳ ه. ق، ۸/۸۴) که طبق روایات معصومین علیهم السلام حرام است. (نجفی، بی تا، ۲۲/۱۱۳؛ اردبیلی، ۱۴۰۳ ه. ق، ۸/۸۴)

پس آرایش و زینتی که در اصل مباح بوده، وقتی برای فریب خواستگار انجام شود چون دارای عنوان جدیدی به نام «غش» و فریب می شود، دارای حکم جدیدی نیز می شود و آن حرمت است. فقها در حرمت غش اختلاف ندارند و روایات وارده در این باب به حد تواتر می رسد (انصاری دزفولی، بی تا، ۱/۲۷۵).

از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لِرَجُلٍ يَبِيعُ التَّمْرِيَّ فُلَانٌ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّهُ لَيْسَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ مَنْ غَشَّهُمْ؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند به مردی که خرما می فروخت: ای فلانی، آیا نمی دانی که از مسلمانان نیست کسی که آنها را فریب دهد». (کلینی، ۱۴۲۹ ه. ق، ۵/۱۶۰)

امام رضا علیه السلام از پدران شان نقل می کنند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ غَشَّ مُسْلِمًا أَوْ صَرَّهُ أَوْ مَكَرَهُ؛ از ما نیست کسی که مسلمانی را فریب دهد یا ضرری به او برساند یا علیه او مکر و حيله کند». (حر عاملی، ۱۴۰۹ ه. ق، ۱۷/۲۸۴)

۲-۵. شهرت

لباس و پوششی که موجب شهرت پوشنده شود، به نظر عده ای از فقها مثل آیت الله گلپایگانی و آیت الله صافی، پوشیدن آن حرام است. به این معنا که جایز نیست شخص لباسی را بپوشد که در شأنش نیست و موجب شهرت او بین مردم شود (هاشمی خمینی، ۱۳۸۳، ۱/۴۶۷) و حرمت آن از جهت خود لباس نیست بلکه از آن جهت حرام است که موجب شهرت او می شود. بعضی از فقها لباس شهرت را لباسی می دانند که خلاف شأن شخص باشد، چه آنکه موجب شهرت او می شود یا نه.

صاحب عروه لباس شهرت را به صورت زیر تعریف می کند: «لباسی است که از جهت جنس پارچه یا رنگش، یا ترکیب یا بریدن و دوختش، خلاف شأن و زئی شخص پوشنده باشد، مانند اینکه اهل علم لباس نظامی بپوشد یا به عکس». (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹ ه. ق، ۲/۳۵۱)

آیت الله اراکی، امام خمینی علیه السلام و آیت الله بهجت نیز تعاریفی مشابه ذکر کردند. (اراک، ۱۴۱۴ ه. ق، ۱/۱۵۲؛ موسوی خمینی، ۱۴۲۴ ه. ق، ۱۸۷؛ فومنی گیلانی، ۱۴۲۸ ه. ق، ص ۱۴۱) و

این فقها پوشیدن لباس شهرت را حرام می‌دانند.

بنابراین، طبق نظر آنها، خود عنوان شهرت موجب حکم حرمت نمی‌شود و لباسی که در شأن شخص نیست حتی اگر موجب شهرت و انگشت‌نما شدن او نشود، باز هم حرام خواهد بود. اما بسیاری از فقها به حرمت لباس شهرت قائل هستند، لیکن لباسی که صرفاً غیرمتعارف باشد یا موجب شهرت بین مردم شود را لباس شهرت نمی‌دانند و در تعریف لباس شهرت قیده‌های دیگر مانند زننده بودن (موحدی لنکرانی، ۱۴۲۶ ه. ق، ص ۱۴۳)، موجب اذلال نفس بودن (تبریزی، استفتانات جدید، ۲/۴۸۰)، موجب هتک حرمت (موسوی خمینی، ۱۴۲۴ ه. ق، ۱/۴۶۶-۴۶۷) و جنبه ریاکاری داشتن (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸ ه. ق، ص ۱۵۰) را آورده‌اند. و لباس شهرت را از این جهت حرام می‌دانند. ظاهراً لباس شهرت شامل آرایش و زینت شخص نیز می‌شود، مانند اینکه شخص موهای خود را به رنگ‌های غیرمتعارف رنگ کند و این موجب شهرت یا حتک حرمت او شود.

مستندات: مستند حرمت لباسی که موجب شهرت باشد، روایاتی است که از شهرت نهی می‌کند و چند دسته‌اند:

دسته اول: روایاتی که از شهرت در لباس نهی می‌کند مثل صحیحیحه اُبی‌ایوب از امام صادق ع که فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ يُغِضُّ شَهْرَةَ اللَّبَاسِ؛ خداوند از لباس شهرت تنفر دارد». (بنی‌فضل، بی‌تا، ص ۲۴-۲۵) روایت ابی‌سعید از امام حسین ع که فرمودند: «مَنْ لَبَسَ ثَوْباً يَشْهَرُهُ كَسَاهُ اللَّهُ سَبْحَانَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ ثَوْباً مِنَ النَّارِ؛ هر کس لباسی بپوشد که موجب شهرت وی می‌شود، خداوند در روز قیامت لباسی از آتش را بر او می‌پوشاند». (حرعاملی، ۱۴۰۹ ه. ق، ۵/۲۴) با این استدلال که اگر لباس شهرت حرام نبود، نه مورد نفرت و بغض خداوند و نه موجب استحقاق آتش جهنم بود همچنان که در روایات آمده. (سیفی مازندرانی، ۱۴۱۷ ه. ق، ص ۲۰۶)

دسته دوم: روایاتی که هم از لباس شهرت و هم از مرکبی که موجب شهرت شخص شود نهی می‌کند، مثل روایت امام صادق ع که فرمودند: «كُنْفِي بِالْمَرْءِ خُزْيَاً أَنْ يَلْبَسَ ثَوْباً يَشْهَرُهُ - أَوْ يَرْكَبَ دَابَّةً تَشْهَرُهُ؛ برای مرد از جهت ننگ کافی است که لباسی بپوشد یا مرکبی سوار شود که موجب شهرتش شود». (حرعاملی، ۱۴۰۹ ه. ق، ۵/۲۴)

دسته سوم: روایاتی که از شهرت به‌طور کلی نهی می‌کنند مثل روایت امام صادق ع: «الشَّهْرَةُ خَيْرُهَا وَ شَرُّهَا فِي النَّارِ؛ شهرت خیر و شرش در آتش است». (حرعاملی، ۱۴۰۹ ه. ق، ۵/۲۴)

با توجه به این دسته اخیر از روایات که به‌طور مطلق از شهرت منع می‌کند، می‌توان استفاده کرد که ذکر لباس و مرکب در روایات دو دسته اول از باب مثال بوده، و حکم منحصر در این آنها

نیست بلکه شامل هر چیزی می‌شود که موجب شهرت شخص شود، از جمله آرایش و زینت، خانه و وسایل شخص، رفتارهای او و غیره.

فقهایی که می‌فرمایند لباس شهرت لباسی است که خلاف شأن شخص باشد و آن را حرام می‌دانند به همین ادله تمسک جسته‌اند، اما با توجه به اینکه در این ادله عنوان شهرت مطرح شده است، خیلی درست به نظر نمی‌رسد که آن را حمل بکنیم بر هر لباسی که در شأن شخص نباشد. آیت‌الله خوئی در نقد نظر صاحب عروه می‌فرماید که ظاهر روایات، حرمت پوشیدن آن چیزی است که موجب شهرت شخص پوشنده و انگشت‌نما شدن او بین مردم شود، مانند اینکه عمامه قرمزی بر سر بگذارد، اما صرف پوشیدن چیزی که خلاف شأن شخص است، مستلزم شهرت نیست، مانند اینکه اگر عالمی لباس نظامی بپوشد و داخل شهر غریبی شود این موجب شهرت او نمی‌شود، اما اگر عمامه قرمزی بپوشد هر جا باشد انگشت‌نما و مورد شهرت می‌شود. پس این دو مسئله با هم تفاوت دارند و روایات به معنای دومی (شهرت) اشاره دارند و برخی از آنها شامل هر چیزی می‌شود که موجب شهرت باشد از لباس و مرکب و غیره. (موسوی خوئی، ۱۴۱۶ ه.ق، ۱۲/۳۸۹-۳۹۰) و لباس شهرت به معنای اول (تعریف صاحب عروه) هیچ دلیلی بر حرمت آن نیست.

آن دسته از فقهایی که قیدهای دیگر مثل موجب اذلال نفس بودن را در تعریف لباس شهرت آورده‌اند، ظاهراً به خاطر همین پوشیدن لباس شهرت را حرام می‌دانند، یعنی چون اذلال نفس حرام است، لباسی که موجب اذلال نفس شود را نیز به همین دلیل حرام می‌دانند، نه به خاطر آنکه فقط موجب شهرت باشد.

فتوای آیت‌الله سیستانی: «پوشیدن لباس شهرت حرام است و آن لباسی است که موجب پستی و قباحت مؤمن بین مردم شود، به خاطر حرمت ذلیل کردن مؤمن خودش را» (حسینی سیستانی، ۱۴۲۲ ه.ق، ص ۱۲۸) مؤید این است. نتیجه اینکه، در رابطه با لباس شهرت بین فقها سه نظر وجود دارد، نظر اول حرمت پوشیدن لباسی است که خلاف شأن شخص باشد و موجب شهرت او بشود، نظر دوم حرمت پوشیدن لباسی است که خلاف شأن شخص باشد چه آنکه موجب شهرت او بشود یا نشود، و نظر سوم جواز پوشیدن لباس غیرمتعارف و خلاف شأن شخص است حتی اگر موجب شهرت باشد، مادامی که عنوان دیگری مثل اذلال نفس بر آن وارد نشود.

۳. مصادیق آرایش و زینت در عصر حاضر

در طول تاریخ آراستگی ظاهری مورد توجه همگان بوده، اما در قرن بیستم بود که حوزه آرایش و زینت شاهد تحولی عظیم و رشد بی‌سابقه‌ای بوده و طبقات مختلف جامعه را تحت تأثیر قرار داد.

و رشد کمی و کیفی این حوزه همچنان ادامه دارد، نه فقط انواع و اقسام جدید لوازم آرایشی روز به روز تولید می شود، بلکه جراحی های زیبایی نیز در سراسر دنیا گسترش پیدا کرده و مورد استقبال مردم جوامع مختلف قرار گرفته است.

۳-۱. جراحی زیبایی

این جراحی ها به اعمال جراحی پزشکی گفته می شود که برای تغییر و زیباسازی یا رفع آسیب های ظاهری بخشی از صورت یا بدن انجام می شود. این جراحی ها شامل جراحی پلاستیک، لیزر، لیپوساکشن، تزریق چربی و غیره می شود و به طور کلی می توان جراحی زیبایی را به شاخه های زیر تقسیم کرد: زیبایی صورت، زیبایی غبغب و گردن، زیبایی سینه، زیبایی شکم و زیبایی بازوها و ران ها. در مورد حکم جراحی اعضا به قصد زیبایی، مراجع عظام می فرمایند که این کار فی نفسه مانعی ندارد مگر اینکه مستلزم فعل حرامی مثل لمس و نظر نامحرم باشد. (موسوی گلپایگانی، ۱۴۱۳ ه.ق؛ موحدی لنکرانی، ۱۴۲۶ ه.ق، ۲/۴۸۶؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ ه.ق، ۱/۴۴۱؛ حسینی خامنه ای، ۱۴۲۰ ه.ق، ۲/۳۷)

آیت الله گلپایگانی در این رابطه می فرماید: «اگر غرض عقلایی دارد، اشکالی ندارد». البته، این نوع اعمال که فی نفسه جایز هستند، در صورتی که دارای عنوان ثانوی مانند ضرر بشوند، ممکن است حرام شوند. از مراجع سؤال شد که حکم جراحی صورت به قصد زیبایی در صورت احتمال ضرر چیست؟ این گونه پاسخ گفتند: (واحد پاسخ به سؤالات جامعه الزهر، ۱۳۸۹).

آیت الله بهجت: جایز نیست.

آیت الله خامنه ای: اگر ضرر قابل توجهی داشته باشد، جایز نیست.

آیت الله سیستانی: اگر خوف ضرر مهم باشد، جایز نیست.

آیت الله صافی گلپایگانی: جراحی صورت چنانچه ضرر معتدبه نداشته باشد، بلامانع است.

آیت الله فاضل لنکرانی: اگر احتمال ضرر معتد به عقلایی باشد یا مستلزم کار حرامی باشد، جایز نیست.

آیت الله نوری همدانی: اگر احتمال قابل توجه باشد، جایز نیست.

آیت الله وحید خراسانی: اگر ترس ضرر مهمی باشد، جایز نیست.

پس جراحی زیبایی، از قبیل جراحی پلاستیک، لیپوساکشن، لیزر و غیره در صورتی که ضرر مهمی داشته باشد به فرموده همه فقها انجام آن جایز نخواهد بود، نه از آن جهت که فی نفسه مانعی دارد، بلکه به خاطر دارا شدن عنوان ضرر.

مسئله دیگری که در این رابطه قابل توجه است، حکم جراحی صورت زن است. با توجه

به اینکه بسیاری از فقها پوشاندن صورت در مقابل نامحرم را برای زنان واجب نمی‌دانند، باید بررسی شود که آیا حکم آن بعد از انجام جراحی زیبایی متفاوت می‌شود یا نه. در این رابطه بین فقها چند نظر وجود دارد.

اول: صورت بعد از انجام جراحی زیبایی زینت حساب می‌شود و باید پوشانده شود. (بهبخت گیلانی فومنی، ۱۴۲۸ه.ق، ص ۹۶)

دوم: صورت بعد از انجام جراحی زیبایی زینت حساب نمی‌شود، از این رو، از این رو، پوشاندن آن لازم نیست. (آیت‌الله نوری همدانی، آیت‌الله سیستانی، واحد پاسخ به سؤالات جامعه الزهرا علیها السلام، ۱۳۸۹)

سوم: اگر صورت بعد از انجام جراحی زیبایی عرفاً زینت حساب شود باید پوشانده شود. (آیت‌الله لنکرانی، آیت‌الله وحید خراسانی، آیت‌الله خامنه‌ای، واحد پاسخ به سؤالات جامعه الزهرا علیها السلام، ۱۳۸۹)

نتیجه اینکه انجام جراحی زیبایی به نظر فقها فی نفسه جایز است، اما در صورت مترتب شدن عنوانی ثانوی مثل ضرر، حکم حرمت بر آن بار می‌شود و عناوین دیگر مانند اسراف و غیره نیز ممکن است بر آن مترتب شود، مانند اینکه زنی زیبا صورت خود را جراحی کند که انجام این کار اگر به نظر عقلا عبث و خالی از غرض باشد، اسراف و حرام خواهد بود. همچنین، اگر این‌گونه جراحی‌ها باعث زیباتر شدن موضعی از بدن مثل صورت، که پوشاندن آنها لازم نیست، شود به طوری که زینت حساب شود، به نظر فقها پوشاندن آن در برابر نامحرم واجب می‌شود.

۲-۳. کاشت مژه و ناخن

واضح است که این امور اگر زینت محسوب شود پوشاندن آن جلوی نامحرم برای بانوان واجب است و اگر ناخن کاشته شده و امثال آن مانع از رسیدن آب به بدن باشد و برای مدتی قابل برداشتن هم نباشد، طوری که شخص برای وضو و غسل نتواند آن را دریاورد یا این کار برای او حرج داشته باشد، انجام این نوع آرایش، هم برای آرایش شونده و هم برای آرایشگر جایز نیست. (آیت‌الله سیستانی، وحید خراسانی، آیت‌الله نوری همدانی، آیت‌الله فاضل لنکرانی، آیت‌الله مکارم شیرازی، آیت‌الله صافی گلپایگانی، آیت‌الله بهجت، واحد پاسخ به سؤالات جامعه الزهرا علیها السلام، ۱۳۸۹)

و برخی از فقها حتی تصریح کرده‌اند که اجرتی که آرایشگر برای انجام این کار می‌گیرد اشکال دارد. (آیت‌الله نوری همدانی، واحد پاسخ به سؤالات جامعه الزهرا علیها السلام، ۱۳۸۹)

۳-۳. خال کوبی (تاتو)

خال کوبی به عمل ایجاد نقوش دائمی یا با ماندگاری طولانی بر پوست گفته می‌شود. برای ایجاد این نقوش، پوست را با سوزن سوراخ می‌کنند و داخل آن رنگ یا جوهر تزریق می‌کنند و چون معمولاً رنگ و جوهر را به لایه میانی پوست (درم) تزریق می‌کنند نه لایه‌های خارجی، از ماندگاری زیادی برخوردار است. از آن جا که این رنگ و جوهر داخل پوست است نه روی پوست، برای غسل و وضو مانعی ایجاد نمی‌کند و از این جهت مشکل شرعی ندارد، همچنان‌که بسیاری از فقها به آن تصریح کرده‌اند. (بهجت فومنی گیلانی، ۱۴۲۸ ه.ق، ۱/۱۸۳؛ حسینی خامنه‌ای، ۱۴۲۰ ه.ق، ص ۲۶۹؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۸ ه.ق، ص ۹۱؛ تبریزی، استفتاءات جدید، ۱/۴۷) اما ممکن است از جهات دیگر دارای اشکال شرعی باشد.

اول: زینت بودن این نوع آرایش و وجوب پوشاندن آن در مقابل نامحرم است. برخی از فقها فقط آرایش تند و مفسده‌انگیز را حرام می‌دانند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸ ه.ق، ص ۱۸۸) در حالی که به نظر عده‌ای، خال کوبی چون آرایش حساب می‌شود باید پوشانده شود.

دوم: ضرر داشتن خال کوبی است. این مثل بحثی است که در رابطه با جراحی زیبایی بیان کردیم؛ خال کوبی هم اگر ضرر مهمی داشته باشد در نظر فقها حرام است. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸ ه.ق، ص ۹۱)

سوم: مفسده داشتن خال کوبی است. اگر خال کوبی مفسده‌ای داشته باشد، مانند خال کوبی عکس‌های موجب فساد اخلاق، انجام این کار جایز نیست. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸ ه.ق، ص ۹۱) بنابراین، خال کوبی و تاتو اگرچه از جهت مانع بودن مشکلی نداشته باشد، اما اگر ضرر قابل توجهی و یا مفسده داشته باشد انجام آن جایز نخواهد بود و در صورتی که زینت حساب شود زن باید آن را در مقابل نامحرم بپوشاند، مگر اینکه زینت متعارف و عادی حساب شود که در این صورت به نظر برخی از مراجع پوشاندن آن واجب نخواهد بود.

۳-۳-۱. خال کوبی آیات قرآن، اسماء جلاله و اسماء ائمه

در مورد نجس کردن یا دست کشیدن بر اسامی مقدس و آیات قرآنی که بر بدن خال کوبی شده بین فقها چند نظر وجود دارد:

اول آن است که خال کوبی اسامی ائمه علیهم‌السلام و نجس نمودن یا دست کشیدن بدون طهارت بر

آنها، اشکال دارد. (بهجت فومنی گیلانی، ۱۴۲۸ ه.ق، ۱/۸۴)

دوم آن است که فقط با فرض صدق مس، مس آن بدون طهارت جایز نیست. (صافی

سوم آنکه در صورتی که ماده‌ای که با آن خال کوبی می‌شود زیر پوست است، مس آن قسمت بدون وضو مانعی ندارد، و بعد از جنابت و حدث لازم نیست فوراً غسل کنند یا وضو بگیرند. (تبریزی، استفتاءات جدید، بی تا، ۱/۴۴۰)

البته، اگر تاتو بر روی پوست باشد، مثل برخی از تاتوهای موقت که روی پوست قرار می‌گیرند و دارای جرم هستند، روشن است که هم باید برای وضو و غسل برطرف شود و هم مس آن بدون طهارت جایز نیست. بنابراین، قبل از جنب شدن باید برطرف شود. (موحدی لنگرانی، ۱۴۲۶ ه.ق، ص ۶۳)

نتیجه اینکه خال کوبی اسامی ائمه، خدا، و آیات قرآن اگر زیر پوست باشد به نظر برخی از مراجع مس آن مشروط به طهارت نیست، اما به نظر دیگران مشروط به طهارت هست و نجس کردن آن نیز اشکال دارد، و به نظر عده‌ای از مراجع، اگر مس آن قسمت صدق مس اسم محترم نکند، طهارت لازم نیست. و البته، تاتوهای موقت که روی پوست قرار می‌گیرند و جرم دارند، علاوه بر لزوم برطرف کردن آنها برای وضو و غسل بر فرض مانعیت، و احکامی که از جهت زینت بودن یا مفسده داشتن که ممکن است بر آن مترتب شود، از آن جهت که روی پوست است مس آن نیز نیازمند طهارت خواهد بود.

۳-۴. موی مصنوعی

یکی از مصادیق آرایش و زینت که در زمان‌های مختلف مورد استفاده بوده و امروزه نیز خیلی رایج است، موی مصنوعی است. این نوع آرایش اگرچه در اصل جایز است، اما دو مسأله‌ای که برای بانوان در رابطه با آن قابل توجه است عبارت است از: حکم نمایان بودن آن در نماز، و حکم نمایان بودن آن در مقابل نامحرم.

در مورد حکم نمایان بودن موی مصنوعی در نماز، بعضی از مراجع می‌فرمایند که اگر موی مصنوعی عرفاً موی او محسوب می‌شود، پوشاندن آن در نماز لازم است. (آیت‌الله خامنه‌ای، واحد پاسخ به سؤالات جامعه الزهراء علیها السلام، ۱۳۸۹)، اما نظر بیشتر مراجع این است که پوشاندن موی مصنوعی در نماز لازم نیست. (آیت‌الله بهجت، آیت‌الله سیستانی، آیت‌الله صافی گلیپگانی، آیت‌الله فاضل لنگرانی، آیت‌الله نوری همدانی؛ واحد پاسخ به سؤالات جامعه الزهراء علیها السلام، ۱۳۸۹) و در مورد پوشاندن آن در مقابل نامحرم، برخی از مراجع آن را به فتوا یا احتیاط واجب می‌دانند (آیت‌الله خامنه‌ای، آیت‌الله سیستانی، آیت‌الله فاضل لنگرانی، آیت‌الله نوری همدانی، واحد پاسخ

به سؤالات جامعه الزهرا علیها السلام، ۱۳۸۹).

در حالی که عده‌ای از آنها فقط در صورتی که عرفاً زینت حساب شود یا موجب تحریک شهوت نامحرم شود، پوشاندن آن را لازم می‌دانند. (آیت الله بهجت، آیت الله صافی گلپایگانی، واحد پاسخ به سؤالات جامعه الزهرا علیها السلام، ۱۳۸۹)

۳-۵. لنز رنگی

لنز تماسی (CONTACT LENS) یا عدسک، یک عدسی نازک پلاستیکی است که روی قرنیه چشم قرار می‌گیرد. لنز تماسی می‌تواند صرفاً جنبه زیبایی (تغییر رنگ عنبیه چشم) داشته باشد یا جنبه پزشکی (مانند درمان عیوب انکساری چشم با لنز تماسی). با توجه به اینکه استفاده صحیح از لنز تماسی معمولاً موجب ضرر خاصی به شخص نمی‌شود، به نظر می‌رسد که مسئله‌ای که در این زمینه بیشتر مورد ابتلا است، حکم اظهار آن در مقابل نامحرم توسط بانوان است. فقها در این باره می‌فرمایند که اگر لنز رنگی عرفاً زینت حساب شود و جلب توجه کند، باید در مقابل نامحرم پوشانده شود. (بهجت فومنی گیلانی، ۱۴۲۸ ه.ق، ۴/۲۰۶)

از آیت الله بهجت سؤال شد: آیا استفاده از لنز رنگی، برای تغییر رنگ چشم جهت بانوان حکم زینت دارد که باید از نامحرم پوشانده شود؟

در جواب فرمودند: اگر جلب نظر کند، باید پوشانده شود و صدق زینت، عرفی است. (بهجت فومنی گیلانی، ۱۴۲۸ ه.ق، ۴/۲۰۶)

از آیت الله سیستانی سؤال شد: در کشورهای غربی متداول شده که لنزهای رنگی بر چشم می‌چسبانند آیا چنین کاری به قصد آرایش و آرایش کردن در برابر انظار نامحرم جایز است؟ در جواب فرمودند: اگر زینت شمرده شود، جایز نیست. (سیستانی، ۱۴۲۲ ه.ق)

۳-۶. کرم‌های سفیدکننده، ضد آفتاب و غیره

یکی از رایج‌ترین محصولات آرایشی بهداشتی در دنیای امروز، کرم است، که شامل اقسام و انواع کرم مانند کرم ضد آفتاب، کرم ضد جوش، کرم ضد چروک، کرم سفیدکننده، کرم مرطوب‌کننده و غیره می‌شود. اصل در آرایش و زینت اباحه و جواز است، که شامل این‌گونه محصولات آرایشی بهداشتی نیز می‌شود. اما مواردی هست که استعمال کرم‌ها حکم دیگری به خود می‌گیرد که به نظر می‌رسد شایع‌ترین مورد، استعمال آن در مقابل نامحرم است. مراجع در این مورد دو نظر دارند. عده‌ای از آنها پوشاندن آن را در صورتی واجب می‌دانند که موجب مفسده‌ای باشد (آیت الله مکام شیرازی، آیت الله نوری همدانی، واحد پاسخ به سؤالات جامعه الزهرا علیها السلام، ۱۳۸۹)،

اما بیشتر فقها می‌فرمایند که اگر کرم عرفاً زینت حساب شود، باید پوشانده شود. (آیت‌الله بهجت، آیت‌الله تبریزی، آیت‌الله سیستانی، آیت‌الله خامنه‌ای، آیت‌الله فاضل لنکرانی، واحد پاسخ به سؤالات جامعه الزهراء علیها السلام، ۱۳۸۹)

پس در مورد کرم‌هایی مثل کرم‌های سفیدکننده که استعمال آن معمولاً موجب زیباتر شدن پوست می‌شود، به نظر می‌رسد پوشاندن آن ضروری است، اما کرم‌های مرطوب‌کننده و مانند آن که در نظر عرف زینت حساب نمی‌شود و موجب تحریک مردان نمی‌شود، لازم نیست پوشانده شود.

۳-۷. سایر مصادیق آرایش و زینت

با توجه به مواردی که حکم آنها بیان شد، حکم دیگر مصداق‌های آرایش و زینت مانند لاک ناخن، رژلب، سایه‌ها و پودرهای آرایشی، مانیکور و پدیکور، برنزاژ پوست (سولاریوم) و میکروپیگمنتیشن نیز روشن می‌شود. تمامی آنها مطابق اصل اباحه فی نفسه جایز و مباح هستند، اما در مواردی مانند اینکه مستلزم کار حرامی مثل لمس و نظر نامحرم باشند یا عنوان ثانوی مثل ضرر یا مفسده به خود بگیرند، حرام خواهند بود و در صورتی که استعمال آنها عرفاً موجب زینت صورت یا دست‌ها شود، پوشاندن آن در مقابل نامحرم لازم خواهد بود.

۴. نتیجه‌گیری

آرایش و زینت در فقه امامیه احکام متنوعی دارد که می‌توان آنها را به دو قسم احکام اولیه و احکام ثانویه تقسیم کرد. احکام اولیه آرایش و زینت را نیز می‌توان به سه بخش اصلی تقسیم کرد: احکام مشترک بین مردان و زنان، احکام مختص به مردان و احکام مختص به زنان. قسم دوم، احکام ثانویه هستند؛ در صورت وارد شدن عناوین ثانویه‌ای بر آرایش و زینت احکام ثانویه‌ای نیز بر آن مترتب می‌شود. این عناوین شامل ضرر، مفسده، اسراف، فریب، شهرت است.

مصادیق آرایش و زینت در عصر حاضر مثل جراحی زیبایی، لنز زدن، تاتو و غیره فی نفسه اشکالی ندارند، اما از جهات دیگر ممکن است دارای اشکال باشند. مثلاً اگر انجام آن موجب ضرر یا مفسده شود یا اسراف حساب شود، حرام خواهد بود و اگر زینت حساب شوند باید در مقابل نامحرم پوشانده شود.

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. ابن منظور، محمدبن مکرم (۱۴۱۴ ه.ق). *لسان العرب*. بیروت: دار الفکر للطباعة والنشر.
۲. اراکی، محمدعلی (۱۴۱۴ ه.ق). *المسائل الواضحة*. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

٣. اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳ ه. ق). مجمع الفائدة والبرهان فی شرح إرشاد الأذهان. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
٤. انصاری ذرفولی، محمد امین (بی تا). قاعدة لا ضرر والید والصحة (فرائد الأصول). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
٥. انصاری ذرفولی، محمد امین (۱۴۱۵ ه. ق). کتاب المکاسب. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
٦. بحرانی، احمد بن ابراهیم (۱۴۰۵ ه. ق). الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
٧. بنی فضل، سیف بن علی (بی تا). مدارک تحریر الوسیلة. بی جا: بی نا.
٨. بهجت گیلانی فومنی، محمد تقی (۱۴۲۸ ه. ق). استفتائات. قم: دفتر حضرت آیت الله بهجت.
٩. تبریزی، جواد بن علی (بی تا). استفتائات جدید. قم: بی نا.
١٠. تبریزی، جواد بن علی (بی تا). صراط النجاة. بی جا: بی نا.
١١. جمعی از پژوهشگران (۱۴۲۶ ه. ق). فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام. قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی.
١٢. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ه. ق). وسائل الشیعة. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
١٣. حسینی خامنه‌ای، علی بن جواد (۱۴۲۴ ه. ق). أجوبة الاستفتائات (فارسی). قم: بی نا.
١٤. حسینی خامنه‌ای، علی بن جواد (۱۴۲۰ ه. ق). أجوبة الاستفتائات (عربی). بیروت: الدار الإسلامیة.
١٥. خمینی بنی هاشمی، محمد حسن (۱۳۸۳ ه. ش). توضیح المسائل مراجع. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
١٦. خمینی، روح الله موسوی (۱۴۲۴ ه. ق). توضیح المسائل. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
١٧. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۲). لغت نامه دهخدا. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
١٨. سبزواری، عبدالاعلی (۱۴۱۳ ه. ق). مهذب الأحكام. قم: مؤسسه المنار.
١٩. سیستانی، علی (۱۴۱۶ ه. ق). الفتاوی المیسرة. قم: دفتر حضرت آیت الله سیستانی.
٢٠. سیستانی، علی (۱۴۲۲ ه. ق). المسائل المنتخبة. قم: دفتر حضرت آیت الله سیستانی.
٢١. سیفی مازندرانی، علی اکبر (۱۴۱۷ ه. ق). دلیل تحریر الوسیلة. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
٢٢. صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۴۱۷ ه. ق). جامع الأحكام. قم: انتشارات حضرت معصومه علیها السلام.
٢٣. صدر، محمد باقر (۱۴۱۳ ه. ق). دروس فی علم الاصول. قم: مؤسسه انتشارات دارالعلم.
٢٤. طباطبایی حائری، علی بن محمد (۱۴۱۸ ه. ق). ریاض المسائل. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
٢٥. طباطبایی یزدی، محمد کاظم (۱۴۱۹ ه. ق). العروة الوثقی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
٢٦. طریحی، فخرالدین (۱۴۱۶ ه. ق). مجمع البحرین. تهران: انتشارات مرتضوی.
٢٧. عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (۱۴۱۰ ه. ق). الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة. قم: کتاب فروشی داوری.
٢٨. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ ه. ق). کتاب العین. قم: نشر هجرت.
٢٩. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹ ه. ق). الکافی. قم: دارالحدیث للطباعة و النشر.
٣٠. معین، محمد (۱۳۸۶). فرهنگ معین. تهران: انتشارات زرین.
٣١. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۷ ه. ق). استفتائات جدید. قم: انتشارات مدرسه امام علی علیه السلام.
٣٢. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۲ ه. ق). بحوث فقهیة هامة. قم: انتشارات مدرسه الإمام علی علیه السلام.
٣٣. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۸ ه. ق). احکام بانوان. قم: انتشارات مدرسه امام علی علیه السلام.
٣٤. موحدی لنکرانی، محمد فاضل (۱۴۲۶ ه. ق). رساله توضیح المسائل. قم: بی نا.
٣٥. موسوی گلپایگانی، محمد رضا (۱۴۱۳ ه. ق). إرشاد السائل. بیروت: دارالصفوة.
٣٦. موسوی خویی، ابوالقاسم (۱۴۱۶ ه. ق). صراط النجاة. قم: مکتب نشر المنتخب.
٣٧. موسوی خویی، ابوالقاسم (۱۴۱۸ ه. ق). موسوعة الإمام الخوئی. قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی.
٣٨. نجفی، محمد حسن (بی تا). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
٣٩. نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۷ ه. ق). عوائد الأيام فی بیان قواعد الأحكام. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
٤٠. واحد پاسخ به سؤالات جامعه الزهراء علیها السلام (۱۳۸۹). قم: جامعه الزهرا.
٤١. وحید خراسانی، حسین (۱۴۲۸ ه. ق). توضیح المسائل. قم: مدرسه امام باقر علیه السلام.

آشنایی با کتابخانه اندرویدی مکتبه الشیعه

زهرا سادات رضوی^۱



مکتبه الشیعه
iShiaBooks

SHIA BOOKS یکی از کامل ترین و جامع ترین کتابخانه اندروید است که تا به حال عرضه شده است. این کتابخانه عظیم با ۴۷۱۴ جلد کتاب در موضوعات مختلف در دو زبان فارسی، عربی می تواند منبع وسیع و کاملی برای استفاده طلاب محترم، محققین، اساتید و... باشد. نرم افزار کتابخانه شیعه در بخش فناوری اطلاعات بنیاد میلانی (مؤسسه لإحياء الفكر الشيعي زیر نظر آیت الله العظمی المیلانی (قدس سره)) برای تسهیل استفاده از کتاب های سایت «کتابخانه شیعه» بر روی دستگاه های اپل (آیفون و آی پد) و سیستم عامل اندروید تولید شده است. از مهم ترین اهداف پروژه، سهولت کاربری و سرعت مناسب نرم افزار است. علاوه بر سادگی انتقال بین کتاب ها و متون آن و نیز فهارس و ارجاعات پانویس، خواننده امکان دسترسی به حدود ۵۰۰۰ جلد کتاب سایت کتابخانه شیعه را دارد که این تعداد از منابع مختلف به صورت مداوم افزایش خواهد یافت. بنابراین، هرگونه ارائه کتاب برای نشر از جانب مؤسسات و مؤلفین مورد تقدیر است.

از منابع اصلی کتابخانه شیعه، می توان از نرم افزار «مکتبه أهل البيت ﷺ، نسخه اول» مربوط به مؤسسه آل البيت ﷺ لإحياء التراث، نام برد.

امکان مدیریت کتاب ها از نظر بارگذاری، حذف و به روزرسانی کتاب های ویرایش یا تصحیح شده به طور دائم فراهم است.

کتاب های «کتابخانه شیعه» در سایت [HTTP://WWW. SHIAONLINEIBRARY. COM](http://www.shiaonlineibrary.com) قابل خواندن و دریافت می باشد.

۱. دانش پژوه دوره کارشناسی ارشد فقه خانواده، مؤسسه آموزش عالی بنت الهدی، از کشور هندوستان.

از ویژگی‌های مهم این کتابخانه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد

۱. شامل ۲۲۹۸ عنوان کتاب (۲۱۸۱ عنوان عربی، ۱۱۷ عنوان فارسی)؛
۲. مصادر سیره‌النبی و الائمه بالغ بر ۱۳۲ عنوان کتاب (۱۲ عنوان فارسی، ۱۲۰ عنوان عربی)؛
۳. تفاسیر الشیعه بالغ بر ۳۷ عنوان کتاب عربی؛
۴. مصادر الحدیث الشیعیة - عام بالغ بر ۱۹۷ عنوان کتاب عربی؛
۵. مصادر الحدیث الشیعیة - الفقه بالغ بر ۴۵ عنوان کتاب (۴۴ عنوان عربی، ۱ عنوان فارسی)؛
۶. مصادر الحدیث السنیه - عام بالغ بر ۲۲۳ عنوان کتاب عربی؛
۷. مصادر الحدیث السنیه - الفقه بالغ بر ۲۴ عنوان کتاب عربی؛
۸. اصول الفقه عند الشیعة بالغ بر ۶۷ عنوان کتاب عربی؛
۹. قادتنا کیف نعرفهم بالغ بر ۵ جلد کتاب عربی؛
۱۰. فقه الشیعة من القرن الثامن بالغ بر ۲۰۸ عنوان کتاب (۲۰۳ عنوان عربی، ۵ عنوان فارسی)؛
۱۱. فقه الشیعة الی القرن الثامن بالغ بر ۴۰ عنوان کتاب عربی؛
۱۲. الانساب و معاجم المختلفة بالغ بر ۱۳ عنوان کتاب عربی؛
۱۳. رجال الحدیث عند الشیعه بالغ بر ۵۸ عنوان کتاب (۵۷ عنوان عربی، ۱ عنوان فارسی)؛
۱۴. علوم اللغة العربیة بالغ بر ۲۲ عنوان کتاب عربی؛
۱۵. ردود علماء المسلمین علی الوهابیة و المخالفین بالغ بر ۳۹ عنوان کتاب عربی؛
۱۶. مؤلفات المستبصرین بالغ بر ۴۸ عنوان کتاب عربی؛
۱۷. العقائد الشیعه بالغ بر ۳۳۳ عنوان کتاب (۳۲۶ عنوان عربی، ۷ عنوان فارسی)؛

برخی امکانات کتابخانه اندرویدی مکتبه الشیعه عبارتند از:

۱. قابلیت جستجو در عنوان و متن تمامی کتاب‌ها با قابلیت انتخاب دامنه جستجو؛
۲. قابلیت بارگذاری کتاب‌ها به صورت تک و گروهی؛
۳. دسترسی به تمامی کتاب‌ها از طریق کتابخانه؛
۴. قابلیت نشانه‌گذاری کتاب‌ها؛
۵. برنامه دو زبانه (فارسی و عربی)؛
۶. قابلیت زوم متن کتاب‌ها با استفاده از دو انگشت؛
۷. انتقال فایل‌ها به کارت حافظه؛
۸. انتخاب متن، کپی و به اشتراک‌گذاری آن.

آشنایی با مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام

ساجده العبدالخانی^۱



ساختمان مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام



سالن همایش مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام

به برکت انقلاب اسلامی ایران، بار دیگر شریعت اسلام در اذهان بشریت جلوه‌گر شد و در این میان مذهب تشیع به‌عنوان پایه‌گذار نهضت اسلامی در کانون توجه قرار گرفت و متأثر از آن، مسلمانان در سایر بلاد اسلامی به خود آمده، بر آن شدند تا دنیای جدید را بر مبنای آموزه‌ها و تعالیم آسمانی اسلام پایه‌ریزی کنند.

در چنین فضای پدیدآمده، برای درک مطلوب و فهم صحیح از اسلام و مکتب تشیع، نظرها به سوی حوزه‌های علمیه، به‌ویژه حوزه علمیه قم دوخته شد و احساس نیاز به کسانی که پاسخ‌گوی مردم باشند به‌وضوح آشکار گردید. کسانی که نیازهای فقهی معاصر را بشناسند و با پیمودن اصول و مبانی اجتهاد بدون افراط و تفریط و طبق سنت سلف صالح به اجتهاد بالنده و امروزی دست زنند، شبهات را دفع کنند، به نیازها پاسخ شایسته دهند، از فقه و فقاہت راستین تشیع دفاع کنند و به دور از تحجر و بی‌مبالاتی در صدد گسترش و توسعه آن برآیند و با توجه به کتاب و سنت و سیره فقهی عمیق و دقیق فقهای بزرگ، راه صحیح زندگی انسانی و بندگی الهی را فرا روی مردم قرار دهند.

بر همین اساس، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام به‌دستور مرجع عالی قدر تشیع، حضرت آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی در سال ۱۳۷۶ شمسی تأسیس شد. این مرکز در راستای آموزش و تربیت

۱. کارشناس ارشد فقه خانواده، مؤسسه آموزش عالی بنت‌الهدی، از کشور عراق.

فضلا و فراهم آوردن امکانات و بستریهای مناسب برای مطالعات و پژوهش‌های فقهی و اصولی و پاسخ‌گویی به مسائل جدید و تألیف و نشر کتب و مقالات علمی تا کنون در پنج بخش فعالیت خود را متمرکز کرده است:

۱. آموزش

این بخش سرلوحه فعالیت‌های مرکز و متشکل از گروه‌های مختلفی از طلاب و فضایی با استعداد است که پس از موفقیت در آزمون ورودی و مصاحبه علمی، تحت حمایت‌های مالی و معنوی مرکز فقهی، به مطالعه عمیق و پژوهش ژرف در فقه و اصول و مبانی اجتهاد اشتغال دارند.

هم‌اکنون بخش آموزش در پنج گروه ذیل فعالیت دارد:

الف) گروه قضا،

ب) گروه حج،

ج) گروه اقتصاد اسلامی،

د) گروه اصول فقه،

ه) گروه قواعد فقهی.

هر گروه تقریباً با پنج نفر، زیر نظر یک استاد با تجربه و کارآموده تحت آموزش قرار دارند. افراد گروه‌ها، خود نیز تحصیل کرده و فاضل هستند و هر کدام حداقل حدود هشت سال یا بیشتر مباحث خارج فقه و اصول را در حوزه گذرانده‌اند. آنان در گروه خود تنها شنونده نیستند، بلکه با بحث و مطالعه و کنکاش به نقد و دفاع از نظریات می‌پردازند و مباحث مطرح را بایاری و هدایت استاد گروه به پیش می‌برند.

هر کدام از اعضای گروه در خاتمه هر بحث، موظفند تمام آن را به صورت یک رساله مستقل تحریر و همراه با نظریه خویش به نظر استاد خود برسانند و اکنون بیش از صد مقاله علمی در این زمینه تهیه گردیده است که در آینده نزدیک بهترین آنها در مجله فقهی و اصولی مرکز منتشر خواهد شد.

۲. پژوهش و تألیف

عمده فعالیت این بخش در زمینه فقه و اصول فقه و موضوعات گسترده مربوطه است.

در حال حاضر پروژه‌هایی که در این بخش در دست انجام است به شرح زیر می‌باشد:

- تألیف یک دوره اصول فقه به زبان فارسی بر مبنای درس‌های خارج اصول فقه حضرت

آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی که شش مجلد آن آماده چاپ است.

- تألیف یک دوره اصول فقه به زبان عربی بر اساس درس‌های خارج آیت‌الله فاضل لنکرانی.
 - بحث «تعارض اصل و ظاهر» از موضوعات کاربردی و مهم است که هنوز تبیین نگردیده
 است. این تحقیق بعد از بیان مفهوم و اصطلاح اصل و ظاهر به بررسی موارد تعارض این دو در فقه
 و ثمرات آن می‌پردازد و بیان می‌کند که در کجا اصل و در چه جایی ظاهر مقدم است.
 - موسوعه «احکام الصبیان». تمام احکام فقهی مربوط به صبی از زمان انعقاد تا مرحله بلوغ،
 محور مطالعه و تحقیق در این موسوعه است. شیوه مباحث این کتاب به صورت استدلالی و
 مقارن است. اکنون جلد اول آن آماده چاپ است و گمان می‌رود به شش جلد برسد.
 - نگارش کتاب حدود و تعزیرات (فقه جزایی اسلام) به فارسی که تقریرات درس خارج فقه
 آیت‌الله فاضل لنکرانی است که در دو جلد چاپ و منتشر خواهد شد.
 - تعریب جلد اول کتاب جامع المسائل، حاوی استفتائات آیت‌الله فاضل لنکرانی با عنوان
 «الفتاوی الوافیة» که کار آن به پایان رسیده و به زودی چاپ و منتشر می‌شود.

۳. تصحیح و تحقیق

در این بخش، کتاب‌های مورد نظر پس از گذراندن سه مرحله تخریج مصادر، ویرایش، مقابله و
 تصحیح توسط محققان و فضلاء متخصص، منتشر می‌شود. آثاری که تاکنون پس از طی مراحل
 یاد شده به زیور چاپ آراسته شده، به قرار زیر است:

نهاية التقریر فی مباحث الصلاة: این کتاب مشتمل بر تقریرات یازده سال درس خارج فقه
 صلوات حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی به قلم حضرت آیت‌الله العظمی لنکرانی است که پس از
 تحقیق و تصحیح دقیق در سه جلد به چاپ رسیده و به فقه پژوهان عرضه شده است.

تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة: این اثر ارزشمند، موسوعه‌ای فقهی و شرحی استدلالی
 بر کتاب تحریر الوسیله حضرت امام خمینی علیه السلام به قلم حضرت آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی
 است. تاکنون از این موسوعه کتاب‌های زیر توسط مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام تحقیق و چاپ شده
 است و تحقیق و نشر سایر مجلدات آن در دست اقدام می‌باشد:

الف) کتاب القضاء والشهادات، چاپ اول، ۱۴۲۰ ه. ق، ۵۶۰ صفحه.

ب) کتاب الطلاق والموارث، چاپ اول، ۱۴۲۱ ه. ق، ۵۳۶ صفحه.

ج) کتاب النکاح، چاپ اول، ۱۴۲۱ ه. ق، ۶۵۶ صفحه.

د) کتاب القصاص، چاپ دوم، ۱۴۲۱ ه. ق، ۴۶۶ صفحه.

ه) کتاب الحدود، چاپ دوم، ۱۴۲۲ ه. ق، ۷۶۰ صفحه.

۴. کتابخانه تخصصی فقهی ائمه اطهار علیهم السلام

با تخصصی شدن علوم، مطالعات و تحقیقات، ایجاد کتابخانه‌های تخصصی ضرورتی انکارناپذیر است. بدین منظور برای ارائه خدمات به پژوهشگران حوزه فقه و اصول به فرموده مؤسس محترم مرکز، این کتابخانه تأسیس گردید و هم‌اکنون دارای بیش از ده هزار کتاب در موضوعات زیر بوده و دائماً در حال توسعه و گسترش است:

فقه شیعه، فقه شافعی، فقه حنبلی، فقه حنفی، فقه مالکی، فقه مذاهب متفرقه، (همچون زیدی، ظاهری، اسماعیلی و اباضی)، اصول فقه شیعه، اصول فقه اهل سنت، علوم قرآن و آیات الاحکام شیعه و سنی، تاریخ فقه، تراجم و رجال شیعه و سنی، حدیث شیعه، حدیث اهل سنت، فقه جدید، حقوق و فقه مقارن با آن، موسوعات فقهی و فقه مقارن بین مذاهب، مجلات فقهی، لغت و سایر کتب مورد نیاز برای مطالعه و تحقیق ژرف در فقه و اصول.

در این کتابخانه علاوه بر کتاب‌های کلاسیک فقه، سعی می‌شود کتاب‌ها به روز باشد و جدیدترین کتاب‌ها از داخل و خارج کشور تهیه و در اختیار پژوهش‌گران گذاشته شود. در حال حاضر کسانی که در فقه، اصول فقه و حقوق مشغول تحقیق و تألیف هستند، از این کتابخانه بهره می‌برند.

۵. رایانه و صوت و تصویر

در این بخش علاوه بر ارائه خدمات نرم‌افزاری و اطلاع‌رسانی به محققان مرکز، حروف چینی کتب فقهی و اصولی انجام می‌گیرد. افزون بر این، تمام دست‌نوشته‌های علمی آیت‌الله فاضل لنکرانی به این قسمت، منتقل شده است. در این بخش حدود سه هزار نوار کاست و تعدادی فیلم‌های ویدیویی ضبط شده از درس‌های ایشان نگهداری می‌شود و در اختیار محققان قرار می‌گیرد.

همچنین پایگاه اینترنتی آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی در این بخش اداره می‌شود که جواب‌گوی سؤالات دینی و شرعی و استفتائات رسیده از سراسر جهان می‌باشد. در این پایگاه تاکنون به هزاران استفتا پاسخ داده شده است. این سایت به سه زبان فارسی، عربی و انگلیسی است.

نشانی پایگاه:

WWW.LANKARANI.NAT
WWW.LANKARANI.COM
WWW.LANKARANI.ORG